

ارزشیابی قوانین (۶):

بررسی ساختار نهاد نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان؛
بررسی کشورهایی با نظام سیاسی ریاستی و ساختار فدرالی و بسیط



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۲۹

شماره مسلسل:

۲۱۳۶۴



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

ارزشیابی قوانین (۶):

بررسی ساختار نهاد نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان؛
بررسی کشورهایی با نظام سیاسی ریاستی و ساختار فدرالی و بسیط

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی □، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات حکمرانی (گروه سیاست‌پژوهی و آزمایشگاه حکمرانی)

تهیه و تدوین کنندگان:

رضا پورکاویان (کارگروه طراحی و ارزشیابی قوانین)، مهدی خسروی (کارگروه طراحی و ارزشیابی قوانین)

مدیر مطالعه:

حسین بابایی مجرد

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز:

نسترن پیرکفاش (دفتر مطالعات مدیریت)،
محمد رضا شمس (دفتر مطالعات سیاسی)

گرافیک و صفحه آرایی:

ساجده زارع مرزی
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. ارزشیابی قوانین
۲. نهاد ارزشیابی
۳. پارلمان

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۰۱/۲۲



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. پیشینه.....	۱۰
۲-۱. سوابق مطالعاتی.....	۱۰
۳. چالش‌های بالقوه در نهادسازی نظام نظارت و ارزشیابی و شیوه صحیح الگوبرداری.....	۱۱
۴. استقلال نهادهای ارزشیابی از تغییرات سیاسی.....	۱۳
۵. یافته‌ها.....	۱۴
۵-۱. کشورهای با نظام ریاستی - بسیط.....	۱۵
۵-۲. کشورهای با نظام ریاستی - فدرال.....	۲۱
۵-۳. تأثیر ساختار سیاسی و شکل حکومت بر وابستگی نهادی در فرایند ارزشیابی.....	۲۷
۵-۴. نقش نظام سیاسی و شکل حکومت در تفکیک وظایف نهادهای ارزشیابی.....	۲۸
۵-۵. مقایسه مدل نهادی ارزشیابی در کشورهای با نظام سیاسی پارلمانی، نیمه پارلمانی و ریاستی و ساختار بسیط و فدرال.....	۲۹
۶. جمع‌بندی و پیشنهادها.....	۳۰
منابع و مآخذ.....	۳۴

فهرست جداول

جدول ۱. سوابق پژوهشی در مرکز پژوهش‌های مجلس.....	۱۰
جدول ۲. محوریت نهادهای ارزشیابی در کشورهای منتخب.....	۲۹
جدول ۳. تفکیک وظایف نهادهای ارزشیابی بر اساس نظام سیاسی و شکل حکومت.....	۳۰

فهرست شکل

شکل ۱. ماتریس کشورهای با نظام سیاسی پارلمانی و شکل حکومت فدرال و بسیط.....	۱۴
--	----



ارزشیابی قوانین (۶):

بررسی ساختار نهاد نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان؛ بررسی کشورهایی با نظام سیاسی ریاستی و ساختار فدرالی و بسیط

Doi: [10.22034/mrc.report.21364](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21364)

چکیده



ارزشیابی قوانین یکی از ابزارهای کلیدی در ارتقای کیفیت نظام قانونگذاری و بهبود حکمرانی است. این فرایند نه فقط امکان سنجش میزان اثرگذاری و قابلیت اجرایی قوانین را فراهم می‌آورد، بلکه به شناسایی کاستی‌ها، رفع موانع اجرایی و اصلاح راهبردهای خط‌مشی‌گذاری کمک می‌کند. نهاد ارزشیابی به‌عنوان مسئول اصلی این امر، نقشی اساسی در حفظ دقت، شفافیت و نظام‌مندی فرایند ارزشیابی قوانین ایفا می‌کند و با تحلیل مبتنی بر داده‌های واقعی و تحقیقات علمی، زمینه را برای اصلاحات اصولی فراهم می‌سازد. بر همین اساس، این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به بررسی مدل‌های نهادی ارزشیابی در نظام‌های حکمرانی مختلف پرداخته است. این گزارش بخش دوم از مجموعه گزارش‌های بررسی ساختار نهاد نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان به حساب می‌آید که با تمرکز بر نهادهای نظارت و ارزشیابی در کشورهایی با نظام ریاستی-بسیط و ریاستی-فدرال تدوین شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در کشورهای ریاستی-بسیط، اجرای ارزشیابی به‌صورت دولت‌محور، و نظارت بر نتایج آن به‌صورت ترکیبی از نهادهای مستقل ارزشیاب و پارلمان انجام می‌شود. همچنین در کشورهای فدرالی با ساختار ریاستی فدرال نیز، به دلیل کاهش سطح نفوذ دولت مرکزی، نقش نهادهای محلی و منطقه‌ای در امر ارزشیابی افزایش می‌یابد. به‌منظور نیل به حدود و ثغور ابعاد ساختار نهادی ارزشیابی در کشورهای پارلمانی، نیمه‌پارلمانی و ریاستی فدرال و بسیط، مقایسه‌ای میان یافته‌های این گزارش و گزارش پیشین انجام گرفت. در نهایت، به دلیل شباهت ساختار سیاسی و شکل حکومت کشورهای بررسی شده در این گزارش با ایران، در این تحقیق پیشنهادهایی برای ایجاد ساختار نهادی ارزشیابی در کشور ارائه شده است.



شرح / بیان مسئله

در نظام حکمرانی ایران، یکی از چالش‌های اساسی، نبود یک ساختار کارآمد برای ارزشیابی قوانین است. در شرایط کنونی، بسیاری از قوانین کشور با محدودیت‌های اجرایی و اثربخشی روبه‌رو هستند؛ چرا که سازوکار مشخص و پایدار برای نظارت و ارزشیابی آنها وجود ندارد. این امر باعث می‌شود که نهادهای قانونگذاری و اجرایی نتوانند نتایج عملی قوانین را ارزشیابی و نقاط ضعف را شناسایی کنند و اصلاحات اساسی را بر پایه شواهد انجام دهند. از میان عوامل مؤثر بر این وضعیت، نبود ساختار نهادی مناسب برای ارزشیابی قوانین، یکی از دلایل عمده به شمار می‌رود که تأثیر بسزایی در کاهش کارآمدی نظام حقوقی کشور دارد.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

باتوجه به بررسی‌های انجام شده از نهاد ارزشیابی در کشورهایی با نظام ریاستی - بسیط و ریاستی - فدرال، طرحی متکی بر ارتباط میان نظام سیاسی و شکل حکومت هر کشور با ساختار نهاد ارزشیابی استخراج شده است که این الگو شامل این موارد می‌شود:

- در نظام‌های ریاستی، به‌علت جدایی قوا، نظارت عمدتاً بر اساس چارچوب‌های فنی و نهادهای مستقل ارزشیابی و گاهی وابسته به دولت انجام می‌گردد و نقش پارلمان به‌عنوان ناظر بر نتایج و فرایندهای ارزشیابی تا میزانی کم‌رنگ‌تر می‌شود.
- در کشورهایی با نظام بسیط، ارزشیابی غالباً توسط دولت و نهادهای وابسته به آن انجام می‌گیرد.
- در ساختار فدرالی، نهادهای منطقه‌ای نقش بسزایی را در ارزشیابی ایفا می‌کنند و در برخی مواقع، ارزشیابی توسط نهادهای مستقل وابسته به پارلمان انجام می‌گیرد.

براین اساس، در نظام ریاستی - بسیط و فدرال، ارزشیابی امری دولت‌محور محسوب می‌گردد که برخلاف نظام پارلمانی، نقش پارلمان در نظام ریاستی کاهش یافته است. با این حال نمی‌توان نقش پارلمان را به کلی نفی کرد و این قوه همواره در فرایند ارزشیابی سهیم است.

پیشنهادها و راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

- **راهبردهای موقتی - ابتدایی:** به‌منظور ظهور و بروز و آشنایی با چالش‌های بالقوه در نهادینه‌سازی ارزشیابی در کشور و فراهم‌سازی زمینه‌های مورد نیاز و حیاتی به‌منظور نیل به هدف، پیشنهاد می‌گردد تا در مرحله اولیه مسئولیت ارزشیابی به پارلمان و به‌طور خاص به مرکز پژوهش‌های مجلس واگذار شود که این امر مستلزم ایجاد سازوکارهای مختلفی است.
- **راهبردهای دائمی - نهایی:** پس از اجرای راهبردهای موقتی - ابتدایی و ظهور چالش‌های بالقوه نهادینه‌سازی ارزشیابی، اجرای پیش‌نیازهای مورد نظر برای رفع موانع و همسوسازی ساختار حکمرانی با امر ارزشیابی و کسب نتایج مورد پذیرش، نیازمند طراحی الگویی دائمی از ساختار نهادی ارزشیابی در کشور است. براین اساس، موارد ذیل برای تدوین این الگو پیشنهاد می‌گردد.

به‌منظور سازمان‌دهی به سلسله مراتب ارزشیابی در سطوح سیاست‌های کلی نظام، سطح خط‌مشی‌گذاری و سطح تدوین برنامه اجرایی، و همچنین به‌منظور استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی ۱ و نهادی ۲ در حوزه ارزشیابی، پیشنهاد می‌گردد تا مجمع تشخیص مصلحت نظام با محوریت کمیسیون نظارت به‌عنوان متولی اصلی ارزشیابی در کشور قلمداد گردد و سایر سطوح ارزشیابی ذیل آن بررسی، نظارت و مدیریت شود. علاوه بر ضرورت قانونی، این نهاد از لحاظ ثبات نسبی ساختار در برابر تغییرات دوره‌ای به نسبت سایر نهادها،

۱. ماده (۵) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ابلاغی ۱۳۹۲.
۲. تبصره «۳» ماده (۶) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.



از اولویت برخوردار است. بر این اساس، متولیان ارزشیابی در هر سطح، با محوریت مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سطح کلان تا سطح خرد به این شرح خواهد بود:

۱. ارزشیابی سطوح کلان سیاسی: با توجه به ابلاغیه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سال ۱۳۹۲، مجمع تشخیص مصلحت نظام به نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام موظف شده است. به منظور تکمیل این فرایند و تعمیق ساختار نظارت و تحقق ماده (۵) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مجمع باید به سامان‌دهی دقیق سطوح مختلف ارزشیابی و تعیین و مکلف‌سازی دستگاه‌های ذی‌ربط بپردازد و سازوکاری منسجم، شفاف و دقیق در امر ارزشیابی ایجاد کند. بر این اساس، باید گزارش‌های ارزشیابی در سایر سطوح توسط «مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی سیاست‌های کلان» به منظور شناسایی و آسیب‌شناسی مراتب مداخلات حاکمیتی تجمیع و تدقیق گردد و با توجه به آسیب‌شناسایی شده در هر سطح، بازخورد مناسب به نهاد متولی ارائه گردد. در این مرحله، مرکز ارزیابی و نظارت می‌تواند طبق ماده (۹) مقررات نظارت، از داده‌های سایر نهادها نیز استفاده کند و نظرها و اقدامات بازخوردی مقتضی را به نهادهای متولی ارائه دهد. همچنین گزارشی از وضعیت اجرای سیاست‌های کلی نظام، به صورت دوره‌ای (هر پنج سال یک بار) در اختیار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نهادهای بالادستی قرار می‌گیرد و بازخوردهای کلان در این مرحله به سطوح پایین‌تر منتقل می‌گردد.

۲. سطح میانی (خط‌مشی / قانون): قوه مقننه به عنوان متولی اصلی در ارزشیابی خط‌مشی‌ها محسوب می‌گردد. ارزشیابی در این سطح متوقف بر دو نوع است: اجرای ارزشیابی توسط مجلس به صورت مستقل و نظارت بر نتایج ارزشیابی‌های انجام شده توسط قوه مجریه. نخستین اقدام راهبردی پیشنهادی در این سطح، تقویت سازوکارهای اجرای ارزشیابی ذیل وزارتخانه‌های متولی و الزام به آن ارائه گزارش‌های دوره‌ای در دو قالب خلاصه و تکمیلی به مجلس شورای اسلامی است. در نتیجه، گزارش‌ها پس از ارسال به معاونت نظارت مجلس، از طریق کمیسیون‌های تخصصی مجلس، به مرکز پژوهش‌های مجلس فرستاده می‌شود و پس از اظهار نظر کارشناسانه در مرکز، نتایج آن جهت تصمیم‌گیری نهایی به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع می‌گردد. گفتنی است که «گزارش‌های کامل ارزشیابی» که توسط قوه اجرایی به مجلس ارسال می‌گردد، بار دیگر ارزشیابی می‌شود (متارزشیابی) و نتایج آن در اختیار «مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی سیاست‌های کلان» قرار می‌گیرد. در گام دوم، علاوه بر وظیفه نظارتی مجلس بر نتایج ارزشیابی، مجلس می‌تواند از طریق سازوکار رویه‌ای و بر حسب ضرورت، به صورت موضوعی و مستقل، از طریق مرکز پژوهش‌های مجلس، به اجرای ارزشیابی بپردازد.

۳. سطح خرد (برنامه‌های اجرایی): خردترین سطح اجرا سازی سیاست‌های کلان، برنامه‌هایی‌اند که توسط قوه اجرایی کشور انجام می‌شوند. بر اساس ماده (۸) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی - ۱۳۹۲/۱۲/۲۴)، دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند تا همکاری‌های لازم را در راستای ارزشیابی و نظارت با مجمع صورت دهند. از این رو، به منظور تدقیق در امر ارزشیابی در سطوح خرد و سامان‌بخشی به این فرایند، پیشنهاد می‌گردد تا واحدهای تحقیقاتی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، نسبت به ارزشیابی برنامه‌های اجرایی اقدام نمایند و نتایج حاصل شده را به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد تا گزارش‌های ارزشیابی شامل دو بخش «خلاصه خط‌مشی» و «گزارش‌های کامل ارزشیابی» باشند که شامل توضیحات تکمیلی شامل روش‌شناختی ارزشیابی، نکات تکمیلی، شاخص‌های مورد استفاده در ارزشیابی و توضیحات مبسوط حول موضوع ارزشیابی است. از این رو، دستگاه‌های اجرایی موظف بر ارائه «گزارش خلاصه خط‌مشی» به مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه، و ارائه «گزارش‌های کامل ارزشیابی» به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی هستند.

۱. مقدمه

ارزشیابی قوانین یکی از ابزارهای کلیدی در بهبود کیفیت قانونگذاری و حکمرانی است. این فرایند امکان بررسی میزان اثربخشی و اجراپذیری قوانین را فراهم می‌آورد و به شناسایی نقاط ضعف، رفع موانع اجرایی و اصلاح خط‌مشی‌های عمومی کمک می‌کند. همان‌طور که در گزارش نخست اشاره شد، نهاد ارزشیابی به‌عنوان متولی این فرایند، نقشی اساسی در تضمین صحت، شفافیت و نظام‌مندی نظارت و ارزشیابی ایفا می‌کند. ساختار نهادی امکان تحلیل مبتنی بر داده‌های واقعی و شواهد علمی را فراهم می‌آورد و در کشورهای توسعه‌یافته، این نهادها ساختاری منسجم و رشدیافته دارند که می‌توانند به وظایف مختلفی مانند اجرای ارزشیابی، ارائه پیشنهادهای اصلاحی و نظارت بر نتایج آن بپردازند. با این حال، اهمیت تقویت ساختار نهادی ارزشیابی، مشروط بر کارایی و انطباق آن با نظام سیاسی و شکل حکومت کشور است. بر این اساس، در ادامه پژوهش صورت گرفته درباره ساختار نهادهای نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان، این گزارش به بررسی ساختار نهادی ارزشیابی در کشورهای با نظام سیاسی ریاستی - بسیط و ریاستی - فدرال اختصاص یافته است. این گزارش، مکمل تحلیل‌های ارائه شده در گزارش نخست است که به بررسی کشورهای با نظام پارلمانی - بسیط، پارلمانی - فدرال و نیمه پارلمانی - بسیط پرداخته شده بود. در گزارش اول، ضمن تبیین ضرورت تعمیق امر ارزشیابی در کشور از طریق نهادسازی و اهمیت نقش پارلمان، به‌عنوان یک حق، در فرایند ارزشیابی، نشان داده شد که در نظام‌های پارلمانی، به‌دلیل تمرکز قدرت سیاسی در پارلمان و شبکه ارتباط گسترده میان قوه مجریه و قوه قانونگذار، ارزشیابی عمدتاً پارلمان‌محور است و به‌طور خاص، اجرای ارزشیابی در کشورهای با ساختار بسیط، توسط دولت مرکزی و در نظام فدرالی توسط ترکیبی از واحدهای مرکزی و منطقه‌ای انجام می‌گیرد. همچنین در این دو ساختار، پارلمان نقش نظارت پررنگی را بر نتایج ارزشیابی ایفا می‌کند و گاهی به‌طور مستقل به اجرای ارزشیابی نیز می‌پردازد. همچنین در نظام‌های نیمه پارلمانی، ترکیبی از نظارت پارلمانی و نظارت دستگاه‌های مستقل بر فرایند و نتایج ارزشیابی حاکم است و در حوزه اجرا نیز، نقش وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی در نظام بسیط و نقش وزارتخانه‌های مرکزی و واحدهای منطقه‌ای در نظام فدرالی قابل توجه است. با این حال، بررسی نهادهای ارزشیابی در کشورهای ریاستی، به‌دلیل تفکیک قوا، ابعاد متفاوتی دارد و تعمیق ارزشیابی در ساختار ریاستی، نیازمند الزامات مختص به خود است. بنابراین، در این گزارش تلاش شده است تا ضمن ارائه تحلیلی از مدل‌های ارزشیابی در نظام‌های ریاستی، تفاوت‌های ساختاری و عملکردی این نظام‌ها با نظام‌های پارلمانی مشخص، و پیامدهای این تفاوت‌ها در فرایند ارزشیابی بررسی شود. به‌طور کل، این گزارش به‌عنوان دنباله پژوهش نخست، مکمل یافته‌های پیشین است و با تمرکز بر نظام‌های ریاستی، تصویری جامع‌تر از شیوه‌های نظارت و ارزشیابی در کشورهای جهان ارائه می‌دهد. اهمیت این گزارش به نسبت گزارش پیشین در انطباق ساختار سیاسی کشورهای بررسی شده با ساختار سیاسی ایران نهفته است. بر این اساس، در پایان گزارش، پیشنهادهایی مبتنی بر مدل‌های نهادی استخراجی با توجه به ملاحظات محیطی و بومی کشور ارائه خواهد شد تا زمینه تدوین چارچوبی متناسب برای تقویت ساختار ارزشیابی در مجلس شورای اسلامی ایران فراهم گردد.



۲-۱. سوابق مطالعاتی

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته، طی سالیان اخیر به مبحث ارزشیابی قوانین توجه فزاینده‌ای شده است که به صورت خلاصه به برخی از یافته‌های این گزارش‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱. سوابق پژوهشی در مرکز پژوهش‌های مجلس

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس‌آموخته‌ها
۱	محسن ابن‌الدین حمیدی وزینب حاجیلو (۱۴۰۲)	مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم‌محور: بایسته نظری	این گزارش به بررسی تأثیر ارزشیابی مردم‌محور بر تصمیم‌گیری‌های حکومتی می‌پردازد و به دو دیدگاه اصلی اشاره می‌کند: نقش محوری نخبگان و حلقه‌های میانی در برابر مشارکت مستقیم مردم. از منظر نظری، سه اصل کلیدی مورد تأکید قرار گرفته‌اند: حقوق متقابل دولت و مردم، اصالت مردم در جامعه اسلامی، و ضرورت نظارت مستمر بر قدرت برای پیشگیری از فساد. در بخش عملی، موفقیت این ارزشیابی منوط به شفاف‌سازی اطلاعات، دریافت مستمر بازخورد، شناسایی ذی‌نفعان، نهادینه‌سازی مشارکت عمومی و توسعه شاخص‌های بومی است. با این حال، چالش‌هایی مانند محدودنگری سیاسی، تفاوت در مشارکت‌پذیری افراد، پیچیدگی موضوعات حکومتی، و انتخاب بین رویکردهای خطی یا تعاملی مطرح است. در پایان، پیشنهاد شده است از ابزارهایی نظیر دماسنج اجتماعی و زنگ هشدار برای تقویت نظارت عمومی و بهبود حکمرانی مشارکتی استفاده شود.
۲	محسن ابن‌الدین حمیدی (۱۴۰۳)	الزامات ارزشیابی مردم‌محور خطمشی‌های عمومی	این گزارش به نقش ارزشیابی مردم‌محور در بهبود خطمشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این نوع ارزشیابی، دیدگاه‌های جامعه نسبت به عملکرد حکومت مبنای تحلیل قرار می‌گیرد. سه محور کلیدی برای تحقق آن عبارت‌اند از: توسعه دانش و شاخص‌های ارزشیابی، استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود و اصلاح قوانین، و ایجاد فرهنگ مشارکت و پاسخ‌گویی. این ارزشیابی با تقویت سرمایه اجتماعی، به افزایش مشروعیت سیاسی کمک می‌کند. برای عملیاتی‌سازی آن، پیشنهادهایی چون تدوین قوانین خاص، بهبود دسترسی به اطلاعات، ایجاد بانک‌های داده افکار سنجی، آموزش تخصصی، حمایت از پژوهش‌ها و برگزاری نشست‌های علمی مطرح شده است. در نهایت، موفقیت این رویکرد نیازمند شفافیت، بستر قانونی مناسب و فرهنگ‌سازی است.
۳	مهدی خسروی، حسین بابایی مجرد و جعفر زینت‌بخش (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۱): مروری بر تجربیات پارلمان‌های جهان سهم‌یاری‌هایی برای مجلس شورای اسلامی	این گزارش به تحلیل تجربه‌های بین‌المللی در ارزشیابی قوانین و ارائه راهکارهایی برای ارتقای این فرایند در مجلس شورای اسلامی می‌پردازد. با وجود سابقه طولانی قضاوت مردمی نسبت به قوانین، پارلمان‌ها همچنان با چالش‌هایی مانند کمبود تخصص، محدودیت منابع و فشارهای سیاسی در اجرای ارزشیابی مواجه‌اند. یافته‌ها در پنج محور اصلی بررسی شده‌اند: امکان‌سنجی، اهداف، رویکردها، نهاد متولی و نحوه اجرا. برای بهبود این فرایند در ایران، پیشنهادهایی چون ایجاد نهاد مستقل ارزشیابی، ارتقای ظرفیت‌های قانونی و تخصصی، تدوین شاخص‌های سنجش اثرگذاری قوانین و افزایش شفافیت گزارش‌ها ارائه شده است. هدف نهایی، نهادینه‌سازی ارزشیابی مؤثر در ساختار قانونگذاری کشور است.
۴	فاطمه رحمانی و محمد عبدالحسین زاده (۱۴۰۳)	ارزشیابی خطمشی در نظام قانونگذاری (۱): الگوها و ابزارهای ارزشیابی خطمشی	این گزارش به تبیین جایگاه ارزشیابی خطمشی در فرایند قانونگذاری و معرفی ابزارها و الگوهای آن می‌پردازد. ابتدا با تعریف ارزشیابی خطمشی و تمایز آن از نظارت آغاز می‌شود، سپس انواع ارزشیابی معرفی و ابزارهایی چون تحلیل هزینه-فایده، تحلیل چندمعیاره، مدل‌سازی، شبیه‌سازی، ارزشیابی تأثیرات علی و RCT بررسی می‌شوند. همچنین نقش ظرفیت سیاسی تصمیم‌گیران و رویه‌های اداری در کیفیت ارزشیابی مورد توجه قرار گرفته است. در پایان، برای ارتقای نقش مجلس شورای اسلامی پیشنهادهایی چون ایجاد نهادهای تخصصی ارزشیابی، تقویت ارتباط با نهادهای مدنی و علمی، و حرکت به سوی ارزشیابی یادگیرنده و نظام‌مند ارائه شده است.

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۵	حیدر نجفی رستاقی و محمد عبدالحسین زاده (۱۴۰۳)	ارزشیابی خطمشی در نظام قانونگذاری (۲): رویکردها، مدل‌ها و ابزارهای ارزشیابی مشارکتی	این گزارش بر ارزشیابی مشارکتی خطمشی در نظام قانونگذاری تمرکز دارد و به بررسی رویکردها، مدل‌ها و ابزارهای این نوع ارزشیابی می‌پردازد. رویکردهایی مانند ارزشیابی همکارانه، توانمندسازی، سودمند و مردم‌محور معرفی شده‌اند و مدل‌هایی چون اجتماع‌محور، مبتنی بر توانمندسازی و چهارمرحله‌ای مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. مطالعه نشان می‌دهد که زیرساخت‌های حقوقی و اجرایی لازم برای مشارکت عمومی در بسیاری از کشورها هنوز بهینه نیست. برای بهبود وضعیت در مجلس شورای اسلامی، پیشنهادهایی چون ایجاد سامانه‌های نظارت مردمی، سیاست‌های شفافیت داده، کارگروه‌های تخصصی با حضور ذی‌نفعان و تعامل با مراکز پژوهشی و نهادهای اجتماعی ارائه شده است. در نهایت، گزارش بر ضرورت گذار از ارزشیابی سنتی به مشارکتی تأکید دارد؛ گامی که می‌تواند مشروعیت نظام قانونگذاری را تقویت کند و اعتماد عمومی را افزایش دهد.
۶	مهدی خسروی، حسین بابایی مجرد و جعفر زینت‌بخش (۱۴۰۴)	ارزشیابی قوانین (۲): واکاوی دلایل انفعال و بی‌عملی پارلمان‌های جهان در کاربست ارزشیابی قوانین و درس آموخته‌هایی برای ایران	این گزارش به تحلیل علل بی‌توجهی پارلمان‌های جهان به ارزشیابی قوانین می‌پردازد و با شناسایی ۲۲ عامل کلیدی مانند نبود نهاد تخصصی، فقدان داده‌های معتبر، نفوذ سیاسی و پیچیدگی فضای ارزشیابی، نشان می‌دهد که چرا این فرایند در بسیاری از کشورها به‌طور مؤثر انجام نمی‌شود. در بخش پایانی، درس آموخته‌هایی برای ایران ارائه شده که شامل تأسیس نهاد مستقل ارزشیابی، تدوین شاخص‌های سنجش اثرگذاری قوانین، بهبود شفافیت داده‌ها، افزایش تعامل با نهادهای علمی و تقویت ظرفیت اجرایی است. هدف اصلی، نهادینه‌سازی ارزشیابی نظام‌مند برای ارتقای کیفیت قانونگذاری و پاسخ‌گویی بیشتر حکومت عنوان شده است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۳. چالش‌های بالقوه در نهادسازی نظام نظارت و ارزشیابی و شیوه صحیح الگوبرداری

نهادینه‌سازی، پیاده‌سازی و تقویت نظام‌های نظارت و ارزشیابی در کشورهای مختلف با چالش‌های متعددی مواجه است که ریشه در عوامل ساختاری، مدیریتی، سیاسی و فرهنگی دارند. این چالش‌ها علاوه بر تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری، می‌توانند مانع از استفاده بهینه از اطلاعات عملکردی و بهبود حکمرانی شوند. یکی از مسائل اساسی در اجرای موفق نظام پایش و ارزشیابی، **فقدان تقاضای واقعی از سوی دولت‌هاست**. در بسیاری از کشورها، مقامات ارشد درک کافی از مزایای این نظام ندارند و به همین دلیل، سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه و نهادینه‌سازی آن را انجام نمی‌دهند. این ناآگاهی علاوه بر کاهش انگیزه تصمیم‌سازان، موجب می‌شود که نظام‌های موجود به‌صورت پراکنده و غیرمؤثر عمل کنند. همچنین، حمایت سیاسی ضعیف و نبود رهبران متعهد از دیگر عواملی است که باعث می‌شود فرایند نهادینه‌سازی با چالش‌های اجرایی مواجه شود. **کیفیت پایین داده‌ها و نبود سیستم یکپارچه برای جمع‌آوری داده‌ها** نیز از جمله مشکلات کلیدی است که مانع اثربخشی نظام پایش و ارزشیابی می‌شود. در بسیاری از کشورها، داده‌های گردآوری شده قابل اعتماد نیستند؛ زیرا فرایندهای جمع‌آوری اطلاعات فاقد استانداردهای لازم است و بررسی صحت داده‌ها به‌صورت نظام‌مند انجام نمی‌شود. علاوه بر این، حجم بالای داده‌های خام بدون پردازش و تحلیل مناسب باعث می‌شود که اطلاعات به‌دست آمده کمتر مورد استفاده قرار گیرند. نبود هماهنگی میان **نهادهای مسئول و ضعف در ارتباط میان سطوح مدیریتی** نیز از جمله عواملی است که موجب کاهش بهره‌وری نظام‌های ارزشیابی می‌شود. از لحاظ ساختاری، **تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های فنی و پیچیده‌سازی بیش از حد سیستم‌ها** ممکن است مانع از اجرای موفق پایش و ارزشیابی شود. برخی دولت‌ها تلاش می‌کنند تا نظام‌های ارزشیابی خود را به پیشرفته‌ترین ابزارهای فناوری مجهز کنند؛ با وجود این، در عمل با چالش‌هایی مانند کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف زیرساخت‌های داده‌ای و محدودیت منابع مالی مواجه می‌شوند. در مواردی نیز ناهماهنگی میان وزارتخانه‌ها و نهادهای نظارتی موجب ایجاد سیستم‌های متعدد و مجزا می‌شود که فاقد یکپارچگی و قابلیت اجرایی لازم‌اند. علاوه بر این، **اتکای بیش از حد به قوانین و مقررات برای الزام به ارزشیابی‌های دولتی** ممکن است ناکارآمد باشد. برخی کشورها، مانند کلمبیا، از طریق تصویب قوانین، تلاش کرده‌اند تا نظام پایش و ارزشیابی را به بخشی از فرایندهای حکمرانی تبدیل کنند.



اما در عمل اجرای این قوانین به حمایت اجرایی و منابع مناسب نیاز دارد. **تغییرات دولت‌ها و نوسانات سیاسی** نیز می‌تواند باعث توقف یا تضعیف این سیستم‌ها شود؛ زیرا اولویت‌های مدیریتی ممکن است با تغییر رویکردهای دولت جدید هم‌خوانی نداشته باشد. **وابستگی برخی کشورها به کمک‌های بین‌المللی** نیز یک چالش محسوب می‌شود؛ زیرا این رویکرد ممکن است به کاهش استقلال داخلی در مدیریت نظام‌های ارزشیابی بینجامد. **مقاومت در برابر اصلاحات** یکی دیگر از موانع جدی در فرایند نهادینه‌سازی پایش و ارزشیابی است. حتی در صورت حمایت سیاسی، برخی مدیران میانی ممکن است به دلیل تغییرات در رویه‌های اجرایی و افزایش فشارهای پاسخ‌گویی در برابر پذیرش پایش و ارزشیابی مقاومت کنند. علاوه بر این، در بسیاری از کشورها، فرهنگ ارزشیابی و پایش عملکرد هنوز به طور کامل نهادینه نشده و خط‌مشی‌گذاران از نتایج نظارتی و ارزشیابی‌های مستقل استقبال نمی‌کنند. **ترس از پاسخ‌گویی** یکی از عوامل کلیدی در این زمینه است؛ چراکه برخی مدیران از انتشار داده‌هایی که عملکرد ضعیفشان را آشکار کند واهمه دارند. **تحولات جهانی و الزامات بین‌المللی** نیز نقش مهمی در توسعه نظام‌های پایش و ارزشیابی ایفا می‌کنند. کشورهایی که عضو اتحادیه اروپا هستند یا از کمک‌های بین‌المللی بهره می‌برند، به تقویت نظام‌های ارزشیابی خود ملزم‌اند تا بتوانند اطلاعات قابل اعتمادی را در اختیار اهداکنندگان قرار دهند. در همین راستا، نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، از طریق وام‌ها و کمک‌های مالی، کشورها را به توسعه نظام‌های ارزشیابی تشویق می‌کنند. علاوه بر نکات ذکر شده باید توجه داشت که **نهادینه‌سازی ارزشیابی امری زمان‌بر است که مدت‌زمان تحقق آن نامشخص و مستلزم عزم و تلاش بسیار است**. برای مثال، استرالیا و شیلی طی چهار تا پنج سال موفق شدند سیستم‌های ارزشیابی قوی‌ای ایجاد کنند؛ این در حالی است که در کلمبیا این فرایند یک دهه طول کشید [۱]. علاوه بر این، دلایل دیگری نیز باعث می‌شود تا فرایند ارزشیابی با چالش در نهادینه‌سازی روبه‌رو شود که این دلایل عبارت‌اند از: **فقدان مالکیت ارزشیابی**، **فقدان درک هدف و مزایای ارزشیابی**، **زمان‌بندی نامناسب**، **نبود انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان**، **طرح پرسش‌های نادرست و یافته‌های نامرتبط**، **روش‌شناسی ضعیف**، **هزینه بالا و تعدد وظایف کارکنان برنامه**، **فقدان تخصص محلی برای انجام، بررسی و استفاده از ارزشیابی‌ها**، **مشکلات ارتباطی**، **عوامل خارجی مؤثر بر ارزشیابی**، **نبود محیط سازمانی حمایتی برای این اساس**، **الگوبرداری مشروط بر رعایت اصولی [۲]**. تمام نکات ذکر شده به‌عنوان نقشه راهی برای الگوبرداری از تجربیات کشورهای موفق محسوب می‌شوند که الگوبرداری صحیح از آنها امکان تسریع فرایند نهادینه‌سازی ارزشیابی را در کشور فراهم می‌کند. با این حال، نکته حائز اهمیت، توجه به وجود افتراقی تجربیات است. از چالش‌های اساسی در مطالعات تطبیقی ارزشیابی، **فقدان یکنواختی در شاخص‌ها و معیارهای سنجش ارزشیابی در کشورهای مختلف** است. هر کشور روش‌های خاص خود را برای ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی اتخاذ می‌کند و چارچوب‌های متفاوتی را برای اندازه‌گیری میزان نهادینه‌سازی ارزشیابی به کار می‌گیرد. برخی کشورها تمرکز بیشتری بر شاخص‌های ساختاری مانند تعداد واحدهای ارزشیابی درون دولت یا وجود قوانین مشخص برای انجام ارزشیابی‌های دوره‌ای دارند و در مقابل، برخی دیگر بر شاخص‌های عملکردی تأکید دارند؛ مانند میزان استفاده عملی از نتایج ارزشیابی در تصمیم‌گیری‌های اجرایی. همین تفاوت در روش‌های اندازه‌گیری باعث می‌شود که در رتبه‌بندی کشورها، نتایج به‌دست‌آمده همیشه قابل مقایسه نباشند و درک صحیحی از میزان نهادینه‌سازی ارزشیابی ارائه نشود [۳]. همچنین، همان‌طور که در گزارش پیشین عنوان شد، شرایط محیطی نیز نقش بسزایی در کنش بازیگران مختلف و شکل‌گیری مدل نهادی ایفا می‌کنند که این نکات سبب ناکارایی اصلاحات و اقدامات می‌شود. برای این اساس، یکی از چالش‌های بالقوه در کاربست مطالعات تطبیقی و اجرای الگوهای بین‌المللی، گرفتاری در دام قابلیت‌هاست. در این معنا، به دلیل فقدان تشخیص صحیح مسئله و نبود شناسایی تهدیدها و فرصت‌های محلی و ملی، اجرای این توصیه‌ها به هدررفت منابع منتج خواهد شد. با این حال، به‌منظور بهره‌گیری صحیح از تجارب کشورهای مختلف، باید برخی اصول رعایت گردد. نخستین اصل، **زمینه‌مندسازی مسائل و راه‌حل‌هاست**. برای این اساس، پیش‌بینی می‌شود تا گذاری از راه‌حل‌های از پیش تعیین شده به شناسایی و بیان مسائل واقعی و زمینه‌مند که نیاز به حل شدن دارند، شکل گیرد. در مرحله دوم، باید راه‌حل‌های مسئله‌محور ارائه گردد که این مهم از طریق ایجاد محیط‌هایی در داخل و بین بخش‌های سازمانی ایجاد می‌گردد که آزمایش و ارائه راه‌حل‌ها را تشویق می‌کنند. در مرحله

سوم، تلاش، یادگیری، تکرار و انطباق به عنوان اولویت اهمیت می‌یابد که سبب تعمیق شواهد محوری در ساختار حکمرانی کشور می‌شود. در نهایت، به منظور اطمینان از مرتبط، مشروع و عملی بودن اصلاحات، از مشارکت کنشگران بهره گرفته می‌شود [۴].

۴. استقلال نهادهای ارزشیابی از تغییرات سیاسی

یکی از چالش‌های بنیادین نهادهای ارزشیابی در محیط‌های سیاسی امروزی، حفظ و پایداری استقلال سازمانی در مواجهه با تغییرات سیاسی است. تجربه کشورهای متعدد نشان می‌دهد که استقلال نهادهای ارزشیابی نه یک وضعیت ایستا و قطعی، بلکه پدیده‌ای پویا، شکننده و همواره در معرض نوسانات قدرت سیاسی است. دقیقاً همین ویژگی گذرا و ناپایدار خط‌مشی‌گذاری اجرایی، اهمیت ایجاد ساز و کارهای محافظتی و ساختارهای نهادی مقاوم را برجسته‌تر می‌سازد. تغییر ساختار حکمرانی، اعم از تغییرات اجرایی یا پارلمانی، اغلب با بازتعریف اولویت‌های حکمرانی، جابه‌جایی مدیران سیاسی و در برخی موارد، بازنگری در رویکرد به ارزشیابی همراه است. این تحولات، اگر بدون چارچوب‌های حفاظتی باشند، ممکن است به تضعیف کارکرد نهاد ارزشیابی و حتی بازتعریف مأموریت یا چارچوب حرفه‌ای آن بینجامند. نهادهایی که از نظر ساختاری یا بودجه‌ای به دولت وابسته‌اند، بیش از دیگران در برابر این تهدیدات آسیب پذیرند.

براین اساس، استقلال نهاد ارزشیابی را می‌توان در دو بُعد اساسی فهم کرد: استقلال حقوقی و استقلال عملی. اگرچه بسیاری از نظام‌ها در قوانین خود اصل استقلال را به رسمیت شناخته‌اند، تجربه کشورها نشان می‌دهد که استقلال حقوقی الزاماً به استقلال عملی منجر نمی‌شود. آنچه پایداری یک نهاد را تضمین می‌کند، نه فقط وجود مقررات، بلکه ترکیبی از طراحی نهادی هوشمندانه، انسجام مدیریتی و شکل‌گیری تدریجی «فرهنگ استقلال» در سطح سازمان است. این مهم از طریق منشورهای اخلاقی، آموزش‌های حرفه‌ای، ترویج ارزش‌های بی‌طرفی و ایجاد ساختارهایی برای محافظت از کارشناسان در برابر فشارهای بیرونی عملیاتی می‌شود. در مواجهه با تغییرات سیاسی، نخستین حوزه‌ای که در معرض آسیب قرار می‌گیرد، فرایند انتصاب مدیران ارشد نهاد ارزشیابی است. در غیاب رویه‌های مستقل، دولت جدید می‌تواند با استناد به اختیارات اجرایی خود، نسبت به انتصاب افراد همسو اقدام کند. این مداخله، چه آشکار باشد و چه در قالب اعمال فشارهای غیررسمی صورت گیرد، به تضعیف اعتماد عمومی و اعتبار تخصصی نهاد خواهد انجامید. براین اساس، محافظت از نهاد ارزشیابی در برابر چنین تلاطم‌هایی، نیازمند بسته‌ای ترکیبی از ابزارهای ساختاری و رفتاری است. در گام نخست، باید دوره‌های تصدی برای مدیران ارشد به گونه‌ای طراحی شود که از تغییر دولت‌ها فاصله زمانی داشته باشد. به عبارت دیگر، دوره تصدی آنها نباید پیرو دوره‌های سیاسی باشد. علاوه بر این، استفاده از کمیته‌های مستقل برای فرایندهای جذب و انتصاب، با حضور نمایندگان حرفه‌ای و غیردولتی، می‌تواند از ورود ملاحظات جناحی جلوگیری کند. همچنین، شفافیت در گزارش‌دهی مالی و عملیاتی و تکیه بر ساز و کارهای مبتنی بر خودارزشیابی،^۱ در برابر فشارهای سیاسی نقش حفاظتی ایفا می‌کند. حفظ استقلال مالی نهاد از طریق بودجه‌های چندساله و مبتنی بر هزینه‌یابی مستقل نیز از دیگر پیشنهادها بالقوه به منظور تقویت استقلال نهادی است. در تجربه برخی کشورها، وابستگی کامل نهاد به بودجه‌های سالیانه دولتی، ابزاری برای اعمال فشار بر آنها در هنگام نارضایتی سیاسی بوده است. در مقابل، نهادهایی که بودجه خود را از طریق کارمزد تخصصی یا سهمی از منابع مستقل دریافت می‌کنند، مقاوم‌تر و پاسخ‌گوتر عمل کرده‌اند. رابطه شفاف، سازمان‌یافته و مبتنی بر مرزبندی روشن میان نهاد ارزشیابی با ذی‌نفعان، اعم از دولت، پارلمان،

بخش خصوصی و جامعه مدنی، از دیگر پیشنهادها محسوب می‌شود. برای مثال، دولت می‌تواند از طریق «بیانیه انتظارات»^۱ اعلام

۱. برای مثال، چارچوب PAFER (Performance Assessment Framework for Economic Regulators) یکی از ابزارهای خودارزشیابی است که از سوی OECD به نهادهای تنظیم‌گر و ارزشیابی کمک می‌کند تا عملکرد خود را به صورت ساختارمند و نظام‌مند ارزشیابی کنند. این چارچوب نوعی خودارزشیابی درونی است که در پنج بُعد کلیدی متمرکز می‌شود که عبارت‌اند از: مشخص بودن اهداف راهبردی، کیفیت فرایندهای تصمیم‌گیری، کفایت منابع و توانمندی نهادی، پیامدها و نتایج ملموس و یادگیری و اصلاح مستمر [۵].

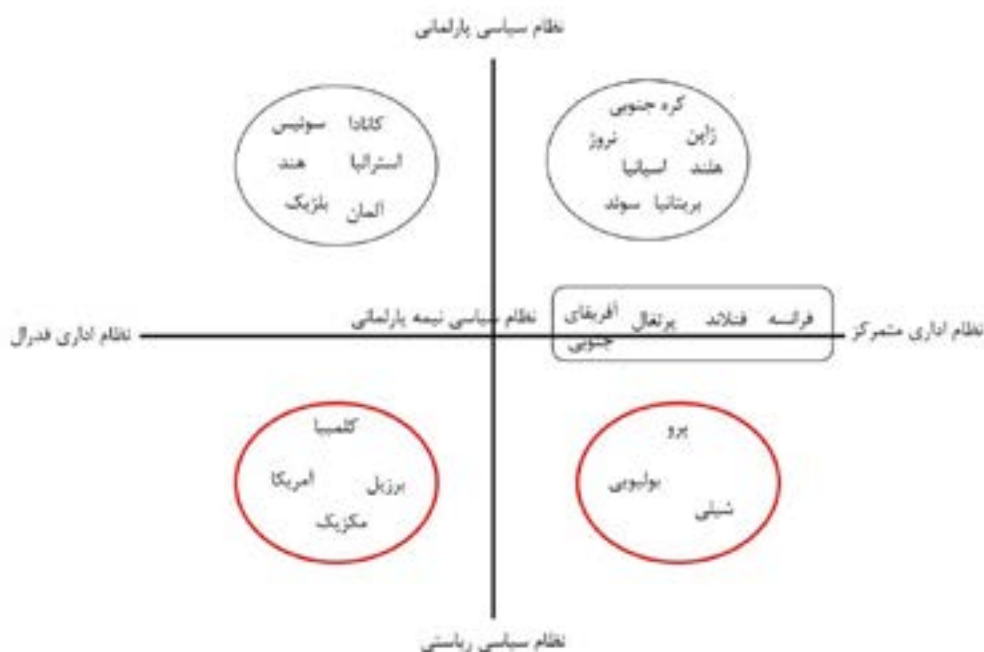
کند که از نهاد ارزشیابی چه خواسته‌ای دارد و نهاد نیز از طریق «بیانیه نیت»^۲ اعلام کند چگونه و در چه چارچوبی به آن پاسخ می‌دهد. این تعامل شکل یافته، مانع از دخالت‌های غیررسمی و فشارهای سیاسی در تصمیم‌گیری حرفه‌ای نهاد می‌شود [۵].

۵. یافته‌ها



همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، ساختارهای سیاسی و شکل حکومت نقش مهمی را در مدل ساختار نهادی ارزشیابی ایفا می‌کنند. در این گزارش به هفت کشور پرو، شیلی، بولیوی، کلمبیا، برزیل، امریکا و مکزیک پرداخته می‌شود که ساختار سیاسی ریاستی و شکل حکومت فدرال و بسیط دارند (شکل ۱). در گزینش و بررسی این کشورها همچنین سعی شده است تا از کشورهایی در سطوح مختلف نهادینگی ارزشیابی استفاده گردد. برای این اساس، کشورهایی مانند شیلی، پرو، امریکا، مکزیک و کلمبیا به‌عنوان کشورهایی با سطح نهادینه شده و چارچوب رسمی ارزشیابی، برزیل به‌عنوان کشور در حال توسعه ارزشیابی با چارچوب رسمی، و بولیوی به‌عنوان کشوری که در مراحل اولیه تعمیق ارزشیابی قرار دارد، محسوب می‌گردند.

شکل ۱. ماتریس کشورهایی با نظام سیاسی پارلمانی و شکل حکومت فدرال و بسیط



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. بیانیه انتظار (Statement of expectation)، سندی رسمی است که از سوی دولت صادر می‌شود و در آن انتظارات کلان و راهبردی دولت از نهاد ارزشیابی یا تنظیم‌گر مانند اصول مورد تأکید (از جمله شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی)، رفتار سازمانی مورد انتظار، نحوه تعامل با ذی‌نفعان، یا هم‌راستایی با خط‌مشی‌های عمومی کشور مشخص می‌شود. این بیانیه معمولاً جنبه الزام‌آور ندارد و هدف آن مشخص کردن چارچوب همکاری و مرز مسئولیت‌ها و نه دخالت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های فنی یا حرفه‌ای نهاد مستقل است. در واقع، این ابزار برای حمایت از شفافیت و انسجام نهادی بدون تضعیف استقلال کاربرد دارد [۵].

۲. بیانیه نیت (Statement of intent)، واکنش رسمی نهاد ارزشیابی یا تنظیم‌گر به بیانیه انتظار دولت است. نهاد در این سند تعهد می‌دهد که چگونه در چارچوب وظایف و استقلال حرفه‌ای خود به انتظارات دولت پاسخ خواهد داد و چه اقدامات مشخصی برای تحقق آنها برنامه‌ریزی کرده است. این بیانیه معمولاً شامل برنامه‌های کاری، اهداف عملکردی، شاخص‌های پایش و سازوکارهای پاسخ‌گویی است و به تقویت شفافیت عمومی و ایجاد اعتماد میان دولت، نهاد مستقل و شهروندان کمک می‌کند، بدون آنکه استقلال تصمیم‌گیری نهاد را به خطر اندازد [۵].

۵-۱. کشورهای با نظام ریاستی - بسیط

در کشورهای با نظام ریاستی - بسیط، قدرت اجرایی به طور کامل در اختیار رئیس جمهور قرار دارد. در این الگوی حکومتی، تمام خطمشی گذاری‌ها، تصمیمات کلان و مدیریت منابع تحت نظارت دولت مرکزی است و نهادهای محلی از استقلال اجرایی محدودی برخوردارند. این امر موجب افزایش هماهنگی در اجرای خطمشی‌ها و یکپارچگی در مدیریت عمومی کشور می‌شود. کشورهایمانند شیلی، پرو و بولیوی در این دسته نظام‌ها قرار دارند.

۱-۱-۵. شیلی

شیلی به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در نهادینه‌سازی نظام‌های ارزشیابی شناخته می‌شود و دارای ساختار گسترده‌ای از نهادهای ارزشیابی است. این فرایند در سال ۱۹۹۴ ایجاد شد. در سال ۱۹۹۶، ارزشیابی‌های سریع برنامه‌های دولتی به این شبکه نوظهور اضافه شدند و در سال ۲۰۰۱، یک برنامه ارزشیابی دقیق نیز به آن افزوده شد. این نظام شبکه‌ای دارای دو نوع محصول ارزیابی دقیق است: ۱. ارزشیابی‌های سریع پس از اجرا که طبق یک فرایند تعریف شده و سریع انجام می‌شوند و باید ظرف کمتر از ۶ ماه تکمیل شوند تا توسط وزارت دارایی در فرایند بودجه سالیانه بررسی گردند. ۲. ارزشیابی‌های جامع‌تر که ممکن است تا ۱۸ ماه طول بکشند و به طور متوسط ۸۸ هزار دلار هزینه داشته باشند [۱]. این نظام به صورت رسمی در چارچوب قانونی کشور تعریف می‌شود و نهادهای ارزشیابی به طور هماهنگ و شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباطند. مسئولیت هدایت و هماهنگی این فرایند بر عهده «اداره کل بودجه و مدیریت مالی» قرار دارد که نقش مرکزی در مدیریت، نظارت و یکپارچه‌سازی فعالیت‌های ارزشیابی ایفا می‌کند. این ساختار امکان اجرای ارزشیابی‌های منسجم و مبتنی بر شواهد را فراهم می‌آورد و به ارتقای کارایی و پاسخ‌گویی خطمشی‌های عمومی کمک می‌کند [۶]. با این حال، به دلیل پیچیدگی ساختار ارزشیابی در شیلی، «اداره ارزشیابی قوانین» نیز در این کشور نقش پررنگی در ساختار شبکه‌ای ارزشیابی ذیل نهاد پارلمان ایفا می‌کند.

الف) اداره کل بودجه و مدیریت مالی^۱

واحد کنترل مدیریت در دهه ۱۹۹۰ به عنوان بخشی از برنامه اصلاحات دولتی، با هدف بهبود کارایی تخصیص منابع عمومی، افزایش شفافیت و ارتقای پاسخ‌گویی ایجاد شد و به عنوان یکی از چهار بخش اصلی وزارت دارایی به شمار می‌آید که متشکل از سه بخش واحد ارزشیابی برنامه‌های عمومی، واحد مدیریت عمومی و واحد کمک‌های فنی است [۷]. در این نهاد، چندین جریان ارزشیابی انجام می‌گیرد که هر کدام به بررسی ابعاد مختلف عملکرد دولتی می‌پردازند. جریان «ارزشیابی برنامه‌های عمومی»^۲ به تحلیل طراحی، اجرا و گزارش دهی برنامه‌های جاری می‌پردازد. این ارزشیابی‌ها توسط پنل‌های سه نفره متخصص مستقل انجام می‌شود که از طریق فرایند مناقصه عمومی انتخاب می‌شوند. جریان «ارزشیابی تأثیر»^۳ که در سال ۲۰۰۱ معرفی شد، بر بررسی روابط علی بین برنامه‌ها و نتایج تمرکز دارد و از روش‌های شبه تجربی مانند تحلیل هزینه-فایده بهره می‌گیرد. همچنین در سال ۲۰۰۲، جریان «ارزشیابی هزینه‌های نهادی»^۴ برای بررسی عملکرد سازمان‌های دولتی مانند وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی ایجاد شده است و به ارزشیابی ساختار سازمانی و بودجه آنها می‌پردازد. جدیدترین جریان ارزشیابی، «ارزشیابی دامنه محدود»^۵ است که در سال ۲۰۱۵ شکل گرفت و هدف آن انجام ارزشیابی‌های سریع‌تر با تمرکز بر جنبه‌های خاص یک برنامه مانند هزینه‌ها، نحوه اجرای برنامه و طراحی راهبردی آن است. بر این اساس، فرایند ارزشیابی در شیلی شامل پنج مرحله اصلی است که از انتخاب برنامه‌ها آغاز می‌شود و با پایش و اجرای توصیه‌ها پایان می‌یابد. کمیسیون بین‌وزارتی ابتدا برنامه‌های پیشنهادی را انتخاب، و به کنگره ارائه می‌کند. در مرحله پیش ارزشیابی، ارزشیابان انتخاب، و اطلاعات زمینه‌ای گردآوری می‌شود؛ سپس در مرحله ارزشیابی، تیم‌های مستقل بررسی‌های خود را انجام می‌دهند و نتایج ارزشیابی در اختیار نهادهای تصمیم‌گیر قرار می‌گیرد. پس از ارائه گزارش‌ها، وزارتخانه‌های

1. Dirección de Presupuestos
2. Evaluation of Public Programs
3. Impact Evaluation
4. Institutional Expenditure Evaluation
5. Limited Scope Evaluation



ذی‌ربط وظیفه دارند توصیه‌های ارائه شده را اجرا کنند و «اداره کل بودجه و مدیریت مالی» هر ۶ ماه یک بار گزارشی درباره میزان اجرای این تعهدات منتشر می‌کند [۸]. علاوه بر این، این نهاد به‌طور مستقیم به وزیر دارایی گزارش می‌دهد و تحت نظارت کنگره شیلی قرار می‌گیرد. همچنین گزارش‌های ارزشیابی به‌طور کامل در وب‌سایت این نهاد منتشر می‌شود و نتایج این ارزشیابی‌ها در کمیسیون ویژه بودجه کنگره ارائه می‌گردد. توصیه‌های حاصل از ارزشیابی‌ها نیز به‌عنوان تعهدات نهادی ثبت می‌شود و اجرای آنها تحت نظارت دقیق قرار می‌گیرد [۷].

ب) اداره ارزشیابی قوانین در شیلی^۱

اداره ارزشیابی قوانین در شیلی، نهادی مستقل در عملکرد، ذیل دفتر اطلاعات مجلس نمایندگان است که از نظر مالی و اجرایی به بودجه مجلس وابسته است. این نهاد وظیفه ارزشیابی قوانین، تحلیل تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، انجام نظرسنجی‌های اجتماعی، گزارش‌های ارزشیابی به کمیسیون‌های مجلس و ارائه پیشنهاد اصلاحات را بر عهده دارد. این اداره گزارش‌های خود را به مجموعه‌ای از نهادها ارائه می‌کند. این گزارش‌ها ابتدا به کمیسیون ارزشیابی قوانین مجلس نمایندگان، که وظیفه بررسی نتایج ارزشیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره اصلاحات قانونی را بر عهده دارد، ارسال می‌گردد. همچنین، کمیسیون‌های تخصصی مجلس گزارش‌های مرتبط با حوزه‌های مختلف قانونگذاری را دریافت می‌کنند. دفتر دبیر کل مجلس نمایندگان نیز از طریق این گزارش‌ها درباره عملکرد اداره ارزشیابی قوانین و نتایج ارزشیابی‌های انجام شده، مطلع می‌شود. علاوه بر این، سازمان‌های دولتی مرتبط نیز نتایج ارزشیابی‌ها را به‌منظور بهبود قوانین دریافت می‌کنند [۹].

ج) کنگره شیلی^۲

کنگره ملی شیلی نقشی رسمی در تعیین برنامه‌های ارزشیابی شده و بررسی یافته‌های ارزشیابی‌ها دارد. هر ساله، کمیسیون ویژه بودجه برنامه‌هایی را که باید ارزشیابی شوند بر اساس پیشنهادهای دولت اجرایی تعیین می‌کند. همچنین تمام گزارش‌های نهایی ارزشیابی در شیلی در دسترس کنگره و عموم مردم قرار می‌گیرد و خلاصه آنها به‌صورت گزارش‌های اجرایی در اسناد بودجه منتشر می‌شود. بر این اساس، کنگره تمام نتایج بررسی ارزشیابی‌ها را، که بخشی از بسته بودجه سالیانه در مرحله تصویب است، بررسی می‌کند [۶].

د) دیوان محاسبات شیلی^۳

دیوان محاسبات شیلی یک نهاد مستقل نظارتی، ذیل نهاد ریاست جمهوری است که وظیفه بررسی عملکرد مالی و اجرایی دولت، ارائه گزارش‌های نظارتی به مجلس و دولت و بررسی شکایات و تخلفات مالی را بر عهده دارد. دیوان محاسبات شیلی با نهادهای مختلف همکاری می‌کند تا فرایند ارزشیابی قوانین را به بهترین نحو انجام دهد. این همکاری شامل ارائه گزارش‌های نظارتی به کمیسیون‌های تخصصی پارلمان برای بررسی عملکرد قوانین، دریافت اطلاعات مالی و اجرایی از وزارتخانه‌ها و نهادهای اجرایی برای تحلیل تأثیرات قوانین، مشارکت با دپارتمان ارزشیابی قوانین مجلس نمایندگان در بررسی و ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی و همکاری با نهادهای قضایی برای رسیدگی به تخلفات مالی و اجرایی است. این تعاملات نقش مهمی در ارتقای شفافیت و کارایی اجرای قوانین دارد [۹].

ه) وزارتخانه‌ها

ارزشیابی در قوه مجریه شیلی به‌صورت غیر نظام‌مند و عمدتاً مبتنی بر ارزشیابی مالی و عملکردی است. این نظام بر ارزشیابی برنامه‌های دولتی و تخصیص منابع مالی تمرکز دارد و با فرایند ارزشیابی قوانین پس از اجرا متفاوت است. همچنین این ساختار از طریق شاخص‌های عملکرد، ارزشیابی‌های برنامه‌ای و نهادی، تحلیل‌های جامع بودجه و ترازنامه مدیریتی^۴ تلاش می‌کند تا بهبود اثربخشی و کارایی خط‌مشی‌های عمومی را تضمین کند. وزارتخانه‌هایی مانند وزارت اقتصاد (از طریق بررسی تأثیرات اقتصادی قوانین، ارزشیابی هزینه‌های اجرایی و تحلیل تأثیرات بر کسب و کارها)، وزارت دارایی (از طریق نظارت بر هزینه‌های عمومی مرتبط با اجرای قوانین و بررسی کارایی مالی آنها)، وزارت محیط زیست (از

1. Department of Law Evaluation in Chile

2. Chilean Chamber of Deputies

3. Contraloría General de la República

۴. ترازنامه مدیریتی شامل اهداف، اهداف مدیریتی و نتایج عملکردی یک نهاد دولتی است.

طریق ارزشیابی تأثیرات زیست محیطی قوانین و مقررات) و وزارت بهداشت (از طریق بررسی تأثیرات قوانین بر سلامت عمومی و نظام درمانی)، نهادهای ارزشیابی دولتی به حساب می آیند [۹]. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۱، وزارت توسعه اجتماعی در این کشور تأسیس شد و مسئولیت خط مشی ها، برنامه ها و طرح های حوزه عدالت، توسعه اجتماعی و ارزشیابی تمام برنامه های جدید یا اصلاح شده اجتماعی به این وزارتخانه محول گشت [۶]. گزارش های منتج از ارزشیابی های انجام شده به کمیسیون های تخصصی پارلمان و دپارتمان ارزشیابی قوانین پارلمان ارائه می شود تا بررسی های دقیق تری در حوزه قانونگذاری انجام گیرد [۹]. علاوه بر این، نهادی تحت عنوان «کمیسیون بین وزارتی»^۱ ذیل قوه مجریه فعالیت می کند که مسئولیت پیشنهاد برنامه هایی را بر عهده دارد که باید ارزشیابی شوند. این نهاد همچنین به منظور نهایی سازی این پیشنهادهای آنها را به کنگره برای تصویب ارسال می کند [۸].

به طور کل در شیلی، نظام ارزشیابی از طریق ارتباط متقابل میان نهادهای اجرایی، قانونگذاری و مستقل نظارتی، به صورت شبکه ای و منسجم عمل می کند. اداره کل بودجه و مدیریت مالی به عنوان متولی اصلی ارزشیابی، مسئول هدایت و اجرای فرایندها، گردآوری داده ها و ارائه گزارش های تحلیلی است که این یافته ها به طور مستقیم به پارلمان شیلی، به ویژه کمیسیون ویژه بودجه، ارسال می شود. در این مرحله، اداره ارزشیابی قوانین که تحت نظارت پارلمان قرار دارد، با تحلیل تأثیرات اجتماعی و اقتصادی قوانین، بر صحت و دقت نتایج ارزشیابی نظارت می کند و پیشنهادهای اصلاحی ارائه می دهد. علاوه بر نقش پارلمان، دیوان محاسبات شیلی به عنوان نهادی مستقل، صحت مالی و اجرایی ارزشیابی ها را بررسی می کند و نتایج ارزشیابی های خود را به نهادهای قانونگذاری ارائه می دهد تا زمینه اصلاح خط مشی ها فراهم گردد. این تعامل سه جانبه، موجب انسجام نهادی در فرایند ارزشیابی می شود و با ترکیب نظارت اجرایی، تحلیل تخصصی و حسابرسی مالی، شفافیت و کارآمدی خط مشی های عمومی را تضمین می کند.

۲-۱-۵. بولیوی

ارزشیابی در بولیوی محدود به موضوعاتی خاص است که عمدتاً توسط قوه مجریه انجام می گیرد. بر این اساس، نهادهای وابسته به دولت، ذیل وزارتخانه های مختلف به ارزشیابی موضوعات مربوطه می پردازند و در بهبود کیفیت قوانین مؤثرند. با وجود این، ساختار ارزشیابی در بولیوی، در حال توسعه است و نقش نهادهای مدنی و داوطلبانه در تسریع این روند قابل توجه و مهم است.

الف) وزارتخانه ها

وزارتخانه ها در بولیوی وظایف مشخصی در حوزه برنامه ریزی، پایش و ارزشیابی خط مشی های عمومی و پاسخ گویی به نهادهای نظارتی و اجرایی دارند. در این میان، «وزارت برنامه ریزی توسعه»^۲ نقش کلیدی در هماهنگی بین وزارتی ایفا می کند و مسئول پایش، نظارت و ارزشیابی نظام برنامه ریزی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور است. یکی دیگر از وزارتخانه های کلیدی، «وزارت توسعه روستایی و اراضی»^۳ است که وظیفه پایش شاخص های کشاورزی و محیط زیستی را بر عهده دارد و به رصدخانه جامع محیط زیست و کشاورزی وابسته است. وزارت آموزش و پرورش نیز از دیگر ارکان ساختار دولتی است که مسئولیت ارزشیابی و پایش کیفیت آموزش را بر عهده دارد و این وظایف از طریق رصدخانه چندملیتی کیفیت آموزش اجرا می شود. در حوزه سلامت نیز وزارت بهداشت به عنوان مسئول پایش وضعیت سلامت عمومی و اجرای سیستم اطلاعات ملی سلامت به جمع آوری داده های آماری، تحلیل شاخص های بهداشتی و ارزشیابی خط مشی های حوزه سلامت می پردازد [۱۰].

ب) واحد تحلیل خط مشی های اقتصادی^۴

واحد تحلیل خط مشی های اقتصادی یکی از نهادهای کلیدی بولیوی در حوزه ارزشیابی و تحلیل اقتصادی است که تحت نظارت وزارت

1. Inter-Ministerial Committee
2. Ministerio de Planificación Del Desarrollo
3. Ministerio de Desarrollo Rural y Tierras
4. Unidad de Análisis de Políticas Económicas



برنامه‌ریزی توسعه فعالیت می‌کند. این واحد وظیفه تجزیه و تحلیل خط‌مشی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور را برعهده دارد و با پیش‌شاخص‌های کلان اقتصادی، به تدوین برنامه‌های توسعه‌ای و تنظیم خط‌مشی‌های عمومی کمک می‌کند. علاوه بر این، این نهاد به‌عنوان نهادی غیردولتی، اما وابسته به ساختار اجرایی دولت، مسئول ارزشیابی تأثیرات خط‌مشی‌های کلان بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور است. این واحد علاوه بر ارائه تحلیل‌های اقتصادی، مسئولیت ارزشیابی برنامه‌های اجتماعی دولت را نیز برعهده دارد که با هدف ارزشیابی میزان موفقیت برنامه‌ها در بهبود رفاه اجتماعی، کاهش فقر و افزایش فرصت‌های اقتصادی برای گروه‌های آسیب‌پذیر انجام می‌شود. این نهاد همچنین به‌منظور کاربست نتایج ارزشیابی در ساختار اقتصادی و اجتماعی، در برابر وزارت برنامه‌ریزی توسعه، دفتر ریاست جمهوری و سایر وزارت‌خانه‌های اجرایی پاسخ‌گو است [۱۰].

ج) دیوان محاسبات بولیوی

دیوان محاسبات بولیوی یکی از نهادهای اصلی نظارتی در ساختار دولتی است. این نهاد تحت نظارت مستقیم ریاست جمهوری و پارلمان فعالیت می‌کند و وظیفه بررسی، ممیزی و پایش عملکرد مالی و اداری ارگان‌های دولتی را برعهده دارد. هدف اصلی آن تضمین شفافیت مالی، ارزشیابی بهره‌وری بودجه‌های عمومی و مقابله با سوءمدیریت در استفاده از منابع دولتی است. این نهاد همچنین نقش کلیدی در حسابرسی داخلی و خارجی نهادهای دولتی ایفا می‌کند و گزارش‌های آن مبنای اصلاحات مدیریتی و مالی در سطح دولت قرار می‌گیرد. دیوان محاسبات، مطابق با دستورالعمل‌های وزارت برنامه‌ریزی توسعه، تطابق هزینه‌کردهای دولتی با اهداف اقتصادی و اجتماعی را بررسی، و از طریق همکاری با بانک مرکزی بولیوی و سازمان نظارت بر نظام مالی، روندهای کلان اقتصادی و نوسانات بودجه‌ای کشور را تحلیل می‌کند. علاوه بر نقش ارزشیابی مالی، دیوان محاسبات نظارت مستقیمی بر نظام ملی سرمایه‌گذاری عمومی دارد تا از لحاظ اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مطابق با اهداف توسعه‌ای، اطمینان حاصل کند [۱۰].

ه) شبکه ملی پایش و ارزشیابی بولیوی^۱ و تیم ارزشیابان جوان بولیوی^۲

این دو نهاد به‌صورت مستقل و در راستای ارتقای فرهنگ ارزشیابی، تقویت نظام‌های نظارتی و افزایش ظرفیت‌های تخصصی در حوزه ارزشیابی عمومی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. شبکه ملی پایش و ارزشیابی، به‌عنوان شبکه بین‌نهادی، از طریق همکاری با سازمان‌های عمومی و خصوصی، تلاش می‌کند ارزشیابی را به‌عنوان ابزاری برای بهبود خط‌مشی‌های عمومی و تصمیم‌گیری مستند در مدیریت دولتی تثبیت کند. این شبکه زیر نظر هیچ نهاد دولتی خاصی قرار ندارد؛ با وجود این، در ارتباط با وزارت برنامه‌ریزی توسعه و سایر ارگان‌ها فعالیت‌های تحلیلی خود را توسعه می‌دهد. همچنین، شبکه ملی پایش و ارزشیابی با انتشار گزارش‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و اجرای پروژه‌های مشترک با مؤسسات تحقیقاتی، به توسعه ظرفیت‌های فنی در حوزه پایش و ارزشیابی کمک می‌کند [۱۰].

در همین راستا، تیم ارزشیابان جوان بولیوی نیز زیرساخت آموزشی و توسعه‌ای برای ارتقای نسل جدید ارزشیابان در کشور فراهم کرده است. این شبکه ضمن همکاری نزدیک با شبکه ملی پایش و ارزشیابی، تمرکز خود را بر افزایش آگاهی عمومی درباره ضرورت ارزشیابی در فرایندهای تصمیم‌گیری، آموزش تکنیک‌های تخصصی به جوانان و تقویت تعامل میان بخش دولتی، خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد قرار داده است. این نهاد همچنین تلاش کرده است تا با اجرای برنامه‌های آموزشی، زمینه تربیت کارشناسان حرفه‌ای را در حوزه ارزشیابی فراهم کند و خلأ موجود در نظام آموزشی رسمی را کاهش دهد [۱۰].

و) کمیسیون حسابرسی و نظارت پارلمان

کمیسیون حسابرسی و نظارت پارلمان بولیوی مسئول بررسی عملکرد مالی و اجرایی دولت است. این کمیسیون وظیفه دارد بر نحوه استفاده از منابع عمومی نظارت کند و اطمینان یابد که خط‌مشی‌های اجرایی مطابق با قوانین و مقررات کشور اجرا می‌شوند. همچنین، این نهاد

1. Red Nacional de Monitoreo y Evaluación de Bolivia
2. Equipo de Jóvenes Evaluadores Bolivia

گزارش‌های ارزشیابی را دریافت و در جلسات پارلمانی بررسی می‌کند تا در صورت نیاز، اصلاحات قانونی پیشنهاد شود. ارتباط این کمیسیون با سایر نهادهای نظارتی و حسابرسی نیز به تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی دولت کمک می‌کند [۱۰].

به‌طور کل در بولیوی، ساختار ارزشیابی عمدتاً تحت کنترل نهادهای اجرایی، و تمرکز آن بر پایش و تحلیل خط‌مشی‌های عمومی از طریق وزارتخانه‌های دولتی است. وزارت برنامه‌ریزی توسعه نقش محوری در هدایت ارزشیابی دارد و با هماهنگی میان نهادهای اجرایی، داده‌های مرتبط را گردآوری و تحلیل می‌کند. واحد تحلیل خط‌مشی‌های اقتصادی، که تحت نظارت این وزارتخانه فعالیت دارد، مسئول بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی خط‌مشی‌های اجرایی است. برخلاف برخی کشورها، که نظارت پارلمانی نقش برجسته‌ای در ارزشیابی دارد، در بولیوی دیوان محاسبات به‌عنوان نهاد مستقل، بر عملکرد مالی و اجرایی دولت نظارت دارد و گزارش‌های خود را به پارلمان ارائه می‌دهد. کمیسیون حسابرسی و نظارت پارلمان نیز وظیفه بررسی این گزارش‌ها را بر عهده دارد، اما نقش آن در هدایت ارزشیابی محدودتر از سایر کشورهاست. این ساختار نشان‌دهنده تمرکز ارزشیابی بر نهادهای اجرایی و حسابرسی مالی است؛ در حالی که نظارت قانونگذاری بیشتر به بررسی نتایج ارزشیابی محدود می‌شود و کمتر در فرایند هدایت آن نقش دارد.

۳-۱-۵. پرو

در این کشور، ارزشیابی به‌عنوان ابزاری برای بهبود برنامه‌ها و خط‌مشی‌های عمومی، طی دو دهه گذشته به تأثر از روندهای جهانی و منطقه‌ای، به‌ویژه در امریکای لاتین، رشد چشمگیری داشته است. مهم‌ترین نقاط عطف این حوزه ناشی از شکل‌گیری «شبکه ارزشیابی پرو»^۱ در سال ۲۰۰۲، برگزاری کنفرانس «شبکه پایش، ارزشیابی و نظام‌مندسازی امریکای لاتین و کارائیب»^۲ در سال ۲۰۰۴ و راه‌اندازی دوره‌های آموزشی تخصصی در دانشگاه کاتولیک پونتیفیکال پرو است. از این‌رو، از سال ۲۰۰۰، ارزشیابی در مدیریت عمومی کشور جایگاه بیشتری یافته و با اصلاحات دولتی، به‌ویژه اجرای «بودجه‌ریزی بر اساس نتایج» در سال ۲۰۰۷ و تأسیس «وزارت توسعه و شمول اجتماعی»^۳ در سال ۲۰۱۱ تقویت شده است. در همین حال، با کاهش کمک‌های خارجی و افزایش استفاده از منابع عمومی، نقش دولت در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای پررنگ‌تر شده است [۱۰].

الف) وزارتخانه‌ها

یکی از وظایف وزارتخانه‌ها در پرو، ارزشیابی مستمر است. برای مثال، «وزارت اقتصاد و دارایی» ارزشیابی‌های اقتصادی را در قالب «بودجه‌ریزی بر اساس نتایج»^۴ انجام می‌دهد و گزارش‌های نهایی را به کنگره ارائه می‌دهد. همچنین «وزارت توسعه و شمول اجتماعی» نیز مسئولیت پایش و بهبود برنامه‌های اجتماعی را بر عهده دارد. دفتر کل پایش و ارزشیابی این وزارتخانه تحلیل داده‌های ارزشیابی را انجام و تعهدات اجرایی ارائه می‌دهد. علاوه بر این، «وزارت زنان و اقشار آسیب‌پذیر» خط‌مشی‌های مرتبط با زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت را طراحی و اجرا می‌کند. این وزارتخانه ارزشیابی مداخلات اجتماعی را مدیریت می‌کند و نتایج را به نهادهای نظارتی ارائه می‌دهد. «وزارت آموزش»، «وزارت کشاورزی و آبیاری»، «وزارت تولید» و «وزارت مسکن» از دیگر نهادهای دولتی به حساب می‌آیند که مسئولیت ارزشیابی حوزه‌های مرتبط با خود را بر عهده دارند [۱۰].

ب) شبکه پایش و ارزشیابی پرو^۵

شبکه پایش و ارزشیابی پرو یکی از نهادهای تخصصی فعال در حوزه ارزشیابی در پرو است که به «شبکه ارزشیابی و پایش امریکای لاتین»^۶ متصل بوده و از سوی نهادهایی مانند بانک جهانی و بانک توسعه بین‌المللی حمایت شده است. این شبکه به‌طور مستقیم ذیل مدیریت

1. Red de Evaluación del Perú
2. Red de Seguimiento, Evaluación y Sistematización de América Latina y el Caribe
3. Ministerio de Desarrollo e Inclusión Social
4. Presupuesto Por Resultados
5. Red Peruana de Monitoreo y Evaluación
6. Red Latinoamericana de Evaluación y Monitoreo



دفتر پایش و ارزشیابی «وزارت زنان و اقشار آسیب‌پذیر»^۱ قرار دارد و به آن پاسخ‌گو است. این نهاد شامل متخصصان بخش عمومی فعال در حوزه پایش و ارزشیابی در پرواست که وظیفه اصلی‌اش تقویت فرهنگ پایش و ارزشیابی در کشور از طریق ایجاد فضاهای گفت‌وگو، بحث‌های تخصصی، انتشار دانش و توسعه ظرفیت‌های حرفه‌ای در میان اعضای خود است. برخلاف برخی نهادهای ارزشیابی، که عمدتاً بر جنبه‌های اجرایی ارزشیابی تمرکز دارند، فعالیت‌های این شبکه بیشتر معطوف به توسعه ظرفیت‌های حرفه‌ای، تبادل دانش میان متخصصان و مشارکت در بحث‌های مرتبط با ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی است [۱۰].

ج) شبکه ارزشیابی پرو

شبکه ارزشیابی پرو، انجمن حرفه‌ای متشکل از متخصصان پایش و ارزشیابی در کشور است که به صورت داوطلبانه فعالیت می‌کند. این شبکه از نظر وابستگی نهادی، مستقل از حمایت مالی خارجی بوده و بدون تأمین بودجه دولتی فعالیت خود را ادامه داده است. وظیفه اصلی این شبکه، توسعه و تقویت ظرفیت‌های ارزشیابی در سطح ملی است. این هدف از طریق برگزاری رویدادهای تخصصی، آموزش‌های حضوری و آنلاین، انتشار اطلاعات مرتبط با ارزشیابی، و مشارکت در طراحی دوره‌های دانشگاهی مرتبط با پایش و ارزشیابی دنبال می‌شود. در این راستا، این نهاد در طراحی و اجرای دوره‌های دیپلم ارزشیابی در دانشگاه‌ها نقش داشته است. همچنین با مشارکت در تأسیس «شبکه پایش، ارزشیابی و سازمان‌دهی امریکای لاتین و کارائیب» در سال ۲۰۰۳ و برگزاری دو کنفرانس منطقه‌ای در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۵ تأثیر چشمگیری در نهادینه‌سازی ارزشیابی در منطقه گذاشته است. دارای یک هسته مدیریتی سیزده نفره و بیش از ۳۵۰ عضو فعال است که از طریق ابزارهای ارتباطی مانند فهرست الکترونیکی علاقه‌مندان، وبسایت رسمی و رویدادهای حضوری و آنلاین با یکدیگر در ارتباط است. علاوه بر این، شبکه ارزشیابی پرو به طور مستقیم پاسخ‌گوی هیچ دستگاه دولتی خاصی نیست و ماهیت فعالیت‌های آن بر اساس همکاری‌های داوطلبانه میان متخصصان تعریف شده است [۱۰].

د) پارلمان

پارلمان پرو نقش مهمی در نظارت بر ارزشیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عمومی دارد. این نظارت با بررسی گزارش‌های ارزشیابی ارائه شده توسط نهادهای اجرایی آغاز می‌شود. گزارش‌ها در جلسات عمومی و کمیسیون‌های تخصصی تجزیه و تحلیل می‌شوند تا کارآمدی خط‌مشی‌ها سنجیده شود. علاوه بر این، پارلمان با استفاده از ابزارهایی مانند پرسش از وزرا و جلسات استماع، اجرای توصیه‌های ارزشیابی را پیگیری می‌کند. در صورت نیاز به اصلاح خط‌مشی‌ها، نمایندگان می‌توانند توصیه‌هایی ارائه دهند و اجرای آنها را نظارت کنند. همکاری پارلمان با نهادهای نظارتی مستقل نیز به بررسی دقیق‌تر ارزشیابی‌ها کمک می‌کند. این سازوکارها به پارلمان اجازه می‌دهد تا بر اجرای صحیح خط‌مشی‌های عمومی نظارت کنند و کارآمدی برنامه‌های دولتی را بهبود بخشند [۱۰].

ه) دفتر ملی پایش و ارزشیابی^۲

دفتر ملی پایش و ارزشیابی در پرو یکی از نهادهای اصلی در فرایند ارزشیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عمومی است. این دفتر زیر نظر دولت فعالیت می‌کند، اما در ساختار خود استقلال نسبی دارد که امکان تحلیل بی‌طرفانه داده‌ها را فراهم می‌آورد. وظایف اصلی این دفتر شامل پایش اجرای ارزشیابی‌ها، جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مرتبط، ارائه گزارش‌های جامع به نهادهای تصمیم‌گیرنده و پیشنهاد اصلاحات لازم برای بهبود کارایی خط‌مشی‌هاست. همچنین این نهاد مسئول هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی مختلف برای تضمین کیفیت ارزشیابی‌ها و تطبیق آنها با استانداردهای بین‌المللی است. ارتباط این دفتر با پارلمان پرو به شکل تبادل اطلاعات و گزارش‌دهی منظم است. نتایج ارزشیابی‌ها به کمیسیون‌های تخصصی در پارلمان ارسال می‌شود تا در تصمیم‌گیری‌های قانونگذاری مورد استفاده قرار گیرد. پارلمان از طریق جلسات استماع و بررسی مستندات، صحت و دقت تحلیل‌های ارائه شده را ارزشیابی می‌کند و در صورت نیاز، اصلاحات قانونی را پیشنهاد

1. Ministerio de la Mujer y Poblaciones Vulnerables
2. Oficina Nacional de Monitoreo y Evaluación

می دهد. همچنین، نمایندگان می توانند از این داده ها برای نظارت بر عملکرد دولت و بهینه سازی خط مشی های عمومی بهره مند شوند [۱۰].

و) کمیسیون حسابرسی و نظارت

کمیسیون حسابرسی و نظارت در پرو یکی از نهادهای کلیدی در بررسی و ارزشیابی عملکرد مالی و اجرایی دولت است. این کمیسیون به عنوان نهادی مستقل، وظیفه نظارت بر استفاده صحیح از منابع عمومی، بررسی شفافیت مالی و ارزشیابی کارایی خط مشی های اجرایی را بر عهده دارد. گزارش های تهیه شده توسط این کمیسیون به پارلمان ارائه می شود تا در تصمیم گیری های قانونگذاری و اصلاحات مالی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، این کمیسیون از طریق جلسات استماع و بررسی مستندات، صحت و دقت داده های مالی و اجرایی را ارزشیابی می کند و در صورت مشاهده تخلفات، پیشنهاد اصلاحات یا اقدامات قانونی را ارائه می دهد. ارتباط این کمیسیون با پارلمان از طریق ارائه گزارش های دوره ای و همکاری با کمیسیون های تخصصی قانونگذاری برقرار است که به نمایندگان امکان نظارت بر عملکرد دولت را می دهد و سبب بهینه سازی خط مشی های مالی می شود [۱۰].

در نتیجه در پرو، ساختار ارزشیابی خط مشی های عمومی عمدتاً تحت هدایت نهادهای اجرایی و تمرکز آن بر پایش و تحلیل خط مشی های عمومی از طریق وزارخانه های دولتی است. وزارت اقتصاد و دارایی از طریق اجرای بودجه ریزی بر اساس نتایج، مسئولیت هدایت ارزشیابی را بر عهده دارد و یافته های تحلیلی خود را به نهادهای قانونگذاری و نظارتی ارائه می دهد. وزارت توسعه و شمول اجتماعی نیز در پایش و بهبود برنامه های اجتماعی نقش اساسی ایفا می کند و با تحلیل داده های ارزشیابی، پیشنهادهای اصلاحی ارائه می دهد. برخلاف برخی کشورها، که نظارت پارلمانی نقش برجسته ای در ارزشیابی دارد، در پرو دفتر ملی نظارت و ارزشیابی به عنوان نهاد مرکزی ارزشیابی، مسئول هماهنگی میان دستگاه های اجرایی و نظارت بر اجرای توصیه های ارزشیابی است. پارلمان پرو نیز با بررسی گزارش های ارزشیابی در کمیسیون های تخصصی خود، داده های تحلیلی را در اصلاح قوانین و خط مشی ها به کار می گیرد، اما نقش آن در هدایت ارزشیابی محدودتر از سایر کشورهاست. این ساختار نشان دهنده تمرکز ارزشیابی بر نهادهای اجرایی و حسابرسی مالی است، در حالی که نظارت قانونگذاری بیشتر به بررسی نتایج ارزشیابی محدود می شود و کمتر در فرایند هدایت آن نقش دارد.

۲-۵. کشورهای با نظام ریاستی - فدرال

در نظام ریاستی - فدرال، رئیس جمهور قدرت اجرایی را در سطح ملی در اختیار دارد و ایالت ها یا مناطق خودگردان اختیارات مستقلی در امور داخلی خود دارند. در این نظام ها، دولت مرکزی خط مشی های کلان مانند دفاع و اقتصاد را هدایت می کند و دولت های محلی وظیفه تصمیم گیری در حوزه های آموزش، امنیت و زیرساخت ها را بر عهده دارند.

۱-۲-۵. امریکا

ارزشیابی خط مشی های عمومی در امریکا از دوران پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که بسیج گسترده منابع دولتی و ظهور رایانه های الکترونیکی نیاز به تحلیل تصمیمات دولتی را افزایش داد، آغاز شد. در دهه ۱۹۶۰، با برنامه های دولت جانسون برای جنگ علیه فقر، ارزشیابی به عنوان حوزه علمی و عملی مطرح و در سازمان ها و دانشگاه ها به کار گرفته شد. همچنین در دهه ۱۹۹۰، با گسترش مدیریت دولتی جدید، تمرکز ارزشیابی به نتایج واقعی خط مشی ها معطوف شده و تا به امروز در ساختار حکمرانی کشور تعمیق یافته است [۱۱].

الف) دفتر مدیریت و بودجه^۱

دفتر مدیریت و بودجه یکی از مهم ترین نهادهای دولتی ایالات متحده است که نقش کلیدی در پایش و ارزشیابی عملکرد دولت فدرال دارد. این دفتر بخشی از دفتر اجرایی رئیس جمهور است و وظایف گسترده ای در زمینه مدیریت بودجه، خط مشی گذاری دولتی و بهبود عملکرد سازمان های اجرایی را بر عهده دارد. این دفتر از دو بخش بودجه و مدیریت تشکیل شده است؛ بخش بودجه مسئول بررسی و تنظیم بودجه

1. Office of Management and Budget



دولت فدرال است. کارشناسان بودجه در این دفتر، درخواست‌های مالی سازمان‌ها را بررسی می‌کنند و توصیه‌هایی برای تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور و خط‌مشی‌گذاران ارائه می‌دهند. همچنین، این بخش نظارت دقیقی بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات اختصاص یافته دارد. همچنین بخش مدیریت نیز وظیفه اجرای خط‌مشی‌های مدیریت دولتی، بهبود بهره‌وری سازمان‌ها، پایش عملکرد آنها و پیشبرد اصلاحات مدیریتی را بر عهده دارد. زیرمجموعه‌های این بخش شامل نظارت بر مدیریت مالی، فناوری اطلاعات، تدارکات و استخدام دولتی است. به‌طور کل، وظایف دفتر مدیریت و بودجه شامل: ۱. هدایت و نظارت بر اجرای «قانون عملکرد و نتایج دولتی مصوب ۱۹۹۳»،^۱ ۲. نظارت بر گزارش‌های عملکرد و پاسخ‌گویی،^۳ ارزشیابی برنامه‌ها از طریق «ابزار رتبه‌بندی سنجش برنامه‌ها»،^۴ توسعه ابزارهای نظارت عملکردی، و ۵. افزایش تمرکز بر ارزشیابی علمی و دقیق را بر عهده دارد [۱۲].

ب) کنگره ایالات متحده آمریکا

کنگره ایالات متحده نقش مهمی در پایش و ارزشیابی عملکرد دولت فدرال ایفا می‌کند. این نقش شامل نظارت بر برنامه‌های دولتی، تأمین بودجه، وضع قوانین مربوط به ارزشیابی عملکرد و هدایت تحقیقات و تحلیل‌های مستقل درباره کارایی برنامه‌هاست. این نهاد وظیفه نظارت و حسابرسی دولتی، وضع قوانین مرتبط با پایش و ارزشیابی، تأمین بودجه برای ارزشیابی و تحقیق، حمایت از نهادهای مستقل ارزشیابی و تأثیرگذاری بر تصمیمات اجرایی را بر عهده دارد. ذیل این نهاد، دفتر بودجه کنگره وجود دارد که به‌عنوان نهاد وابسته به کنگره، مسئول تحلیل‌های اقتصادی و مالی مستقل درباره بودجه، خط‌مشی‌های مالی و درآمدی دولت و... است [۱].

ج) دفتر حسابرسی دولتی^۲

دفتر حسابرسی دولتی، به‌عنوان نهادی مستقل و ذیل کنگره، به‌صورت مستقل یا به درخواست کنگره، به ارزشیابی می‌پردازد [۷]. این نهاد وظایفی مانند ارزشیابی کارایی و اثربخشی برنامه‌های دولتی از طریق گزارش‌های تحلیلی، تحقیقات مستقل درباره فساد، سوءمدیریت و هدررفت منابع دولتی، تهیه گزارش‌های تخصصی برای کنگره به‌منظور راهنمایی در تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای و قانونگذاری، ارزشیابی استراتژی‌های مالی و مدیریتی دولت و ارائه پیشنهادها و اصلاحی و نظارت بر اجرای قوانین پایش عملکرد را بر عهده دارد [۱]. این نهاد دارای دفترهای تخصصی در حوزه‌های مختلفی مانند امنیت ملی، سلامت، آموزش، اقتصاد، و فناوری است که از تیم‌های تحقیقاتی و کارشناسان مستقل برای انجام ارزشیابی‌ها تشکیل شده‌اند. همچنین، تمام گزارش‌های این دفتر به‌صورت عمومی منتشر می‌شود و دولت موظف به اجرای اصلاحات دفتر حسابرسی دولتی است [۷].

به‌طور کل، ارزشیابی در آمریکا به‌عنوان بخشی از فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت دولتی، به‌صورت غیرمتمرکز و توسط واحدهای ارزشیابی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. «قانون عملکرد و نتایج دولتی»^۴ مصوب سال ۱۹۹۳، چارچوبی برای ارزشیابی برنامه‌های دولتی فراهم کرد و در سال ۲۰۱۰ با اصلاح این قانون تقویت شد [۱۳]. علاوه بر این، ساختار ارزشیابی در آمریکا غیرمتمرکز و جامع است و از ترکیب نظارت دولتی، کنترل قانونگذاری و مشارکت جامعه مدنی تشکیل شده است. بخش مدنی نقش مهمی را در ارزشیابی قوانین در آمریکا ایفا می‌کند. این بخش شامل نهادهایی مانند اندیشکده‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، سازمان‌های نظارتی مدنی و پایگاه‌های داده عمومی می‌شود. برای مثال، این نهادها در حوزه اجتماعی، در سه بخش سلامت، آموزش و رفاه اجتماعی، ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی انجام می‌دهند و تحلیل‌های خود را به نهادهایی مانند وزارت بهداشت، وزارت آموزش و سازمان‌های مرتبط با رفاه اجتماعی ارسال می‌کنند تا در تصمیم‌گیری‌های خط‌مشی‌گذاری استفاده شوند [۱۴].

براین اساس، در ایالات متحده، نظام ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی براساس تعامل میان نهادهای اجرایی، قانونگذاری و نظارتی، به‌صورت

1. Government Performance and Results Act
2. Program Assessment Rating Tool
3. Government Accountability Office
4. Government Performance and Results Act

ساختاری غیر متمرکز و چند سطحی عمل می‌کند. دفتر مدیریت و بودجه، که زیر نظر دفتر اجرایی رئیس جمهور فعالیت دارد، مسئولیت هدایت و اجرای ارزشیابی برنامه‌های دولتی را بر عهده دارد و یافته‌های خود را به نهادهای قانونگذاری و نظارتی ارائه می‌دهد. در این میان، دفتر حسابرسی دولتی به عنوان نهادی مستقل تحت نظارت کنگره، گزارش‌های ارزشیابی را بررسی و صحت مالی و اجرایی آنها را تأیید می‌کند. کنگره ایالات متحده نیز از طریق کمیسیون‌های تخصصی، نظارت بر نتایج ارزشیابی را بر عهده دارد و یافته‌های حاصل از بررسی‌های نظارتی را در فرایند قانونگذاری و اصلاحات خط‌مشی مورد استفاده قرار می‌دهد. این ساختار موجب می‌شود که ارزشیابی در ایالات متحده از طریق ترکیب نظارت اجرایی، تحلیل تخصصی و حسابرسی مستقل، به صورت نظام‌مند و مبتنی بر داده‌های واقعی انجام شود.

۲-۲-۵. مکزیک

مکزیک یکی از کشورهای پیشرو در امریکای لاتین در زمینه ارزشیابی است که در سال‌های اخیر، به منظور تعمیق ارزشیابی در فرایند تصمیم‌گیری‌های دولتی تلاش‌های بسیاری کرده است [۱۵]. این کشور دارای یک نظام ارزشیابی نهادینه شده رسمی است که تمرکز ارزشیابی ذیل «شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های توسعه اجتماعی» در آن ایجاد شده است. باین حال، علاوه بر این نهاد، وزارتخانه‌ها نیز نقش مهمی در ارزشیابی قوانین در این کشور ایفا می‌کنند [۱۳].

الف) شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های توسعه اجتماعی^۱

شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های توسعه اجتماعی، نهادی مستقل با استقلال فنی و مدیریتی در مکزیک است که ذیل قوه مجریه (وزارت توسعه اجتماعی) در سال ۲۰۰۴ ایجاد شد [۷]. این شورا نقش کلیدی در نهادینه‌سازی فرایند پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی در مکزیک ایفا کرده و با ایجاد چارچوبی نظام‌مند برای پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های اجتماعی، یکی از پیشرفته‌ترین مدل‌های ارزشیابی را در کشورهای در حال توسعه تدوین کرده است [۱۶]. این نهاد به عنوان بخشی از قانون توسعه اجتماعی مکزیک، وظیفه اندازه‌گیری فقر و ارزشیابی خط‌مشی‌های اجتماعی در سطح فدرال، ایالتی و محلی را بر عهده دارد. این نهاد شامل چهار بخش تحلیل فقر، ارزشیابی، مدیریت و هماهنگی است که بودجه آن توسط بودجه ملی تأمین می‌شود. همچنین این شورا، دارای یک هیئت اجرایی، متشکل از ۶ پژوهشگر مستقل^۲، وزیر توسعه اجتماعی و مدیر اجرایی شورا است. طبق قوانین مکزیک، این شورا موظف است تا نتایج ارزشیابی‌های انجام شده را به کنگره ارائه دهد. همچنین، کنگره مکزیک نیز از طریق قانون بودجه فدرال و سایر قوانین مرتبط، با بررسی گزارش‌های ارزشیابی و تأثیرشان بر تخصیص بودجه، بر عملکرد این نهاد نظارت دارد. همچنین بر اساس قانون «دسترسی به اطلاعات عمومی مصوب سال ۲۰۰۲»، این نهاد موظف است تا نتایج ارزشیابی را به صورت عمومی منتشر کند [۷].

ب) وزارت دارایی^۳ و وزارت خدمات عمومی^۴ مکزیک

وزارت خدمات عمومی نقش مهمی در نظام ارزشیابی مکزیک دارد و در کنار وزارت دارایی و شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های توسعه اجتماعی، بخشی از چارچوب ارزشیابی و بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد را اجرا می‌کند. در سال ۲۰۰۷، این وزارتخانه با همکاری شورای ملی ارزشیابی و وزارت دارایی، دستورالعمل‌های عمومی را به منظور ارزشیابی برنامه‌های فدرال منتشر کرد. این نهاد وظیفه توسعه شاخص‌های عملکرد و نظارت بر اجرای آنها، نظارت بر کیفیت اجرای برنامه‌های دولتی، همکاری با وزارت دارایی برای تدوین بودجه‌های مبتنی بر عملکرد و هماهنگی اجرای سیستم ارزشیابی عملکرد را بر عهده دارد [۱۷].

وزارت دارایی نیز مانند وزارت مدیریت عمومی، نقش مهمی را در نظام ارزشیابی ایفا می‌کند. این وزارتخانه بخشی از سیستم ارزشیابی عملکرد مکزیک به حساب می‌آید که اطلاعات مربوط به اثربخشی برنامه‌های دولتی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند. این ساختار سبب می‌شود

1. Consejo Nacional de Evaluación de la Política de Desarrollo Social

۲. پژوهشگر مستقل (Independent Academics) از میان دانشمندان و پژوهشگران مستقل با تجربه گسترده در حوزه ارزشیابی یا اندازه‌گیری فقر در مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی معتبر انتخاب می‌شوند [۵۴].

3. Hacienda

4. Función Pública



تا اطلاعات ارزشیابی در فرایند تصمیم‌گیری بودجه و مدیریت عملکرد نقش مؤثرتری داشته باشد. از جمله وظایف این نهاد می‌توان به طراحی شاخص‌های عملکرد، تحلیل ارزشیابی، ارائه گزارش‌های ارزشیابی به کنگره و بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد اشاره کرد [۱۷].

به‌طور کل در مکزیک، نظام ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی به‌صورت دولت‌محور سازمان‌دهی می‌شود و تمرکز آن بر پایش و تحلیل خط‌مشی‌های اجتماعی از طریق نهادهای اجرایی است. شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های توسعه اجتماعی، که زیر نظر وزارت توسعه اجتماعی فعالیت می‌کند، مسئولیت هدایت ارزشیابی را بر عهده دارد و یافته‌های خود را به نهادهای قانونگذاری و نظارتی ارائه می‌دهد. وزارت دارایی و وزارت خدمات عمومی نیز نقش کلیدی در توسعه شاخص‌های عملکرد و نظارت بر کیفیت اجرای برنامه‌های دولتی دارند و اطلاعات ارزشیابی را در فرایند تصمیم‌گیری بودجه و مدیریت عملکرد به کار می‌گیرند. برخلاف برخی کشورها، که نظارت پارلمانی نقش برجسته‌ای در ارزشیابی دارد، در مکزیک، کنگره بیشتر بر بررسی گزارش‌های ارزشیابی و تأثیر آنها بر تخصیص بودجه تمرکز دارد، اما نقش آن در هدایت ارزشیابی محدودتر است. این ساختار نشان‌دهنده وابستگی ارزشیابی به نهادهای اجرایی و حسابرسی مالی است؛ در حالی که نظارت قانونگذاری عمدتاً به بررسی نتایج ارزشیابی محدود می‌شود و کمتر در فرایند هدایت آن نقش دارد.

۳-۲-۵. برزیل

نخستین بار در دهه ۱۹۶۰، ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی توسط دولت مرکزی در برزیل آغاز شد؛ با این حال چارچوب غیررسمی و نهادینه شده‌ای نداشت. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، با فشارهای بین‌المللی و نیاز داخلی به بهبود کارایی، نهادهای ارزشیابی رسمی شکل گرفتند و روش‌های بررسی اثربخشی خط‌مشی‌های عمومی توسعه یافت. در دهه ۲۰۰۰، ارزشیابی به بخشی ضروری از مدیریت دولتی تبدیل شد و داده‌های دقیق‌تری برای تصمیم‌گیری استفاده شد. از دهه ۲۰۱۰ نیز شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت بر عملکرد دولت اهمیت بیشتری یافت و ضمن ارائه روش‌های نوین ارزشیابی، شاخص‌های عملکرد و تحلیل‌های مبتنی بر داده بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفتند. بر این اساس، برزیل را می‌توان کشوری دانست که از یک مدل ساده و وابسته به تجربیات خارجی به سیستم ارزشیابی پیچیده و نهادی، رشد یافته است [۱۸].

الف) کمیته پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال^۱

کمیته پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال، نهادی ذیل وزارت اقتصاد برزیل است که به‌منظور بررسی کارآمدی و تأثیرگذاری خط‌مشی‌های دولتی، بر روند اجرای آنها نظارت دارد. این کمیته با هدف ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی از طریق تحلیل نتایج و پیشنهاد بهینه‌سازی برنامه‌های دولتی ایجاد شده است. بر این اساس، این کمیته خط‌مشی‌هایی را که تأثیر مالی و اجتماعی گسترده‌ای دارند بررسی می‌کند و تغییرات لازم برای افزایش کارایی آنها را پیشنهاد می‌دهد. علاوه بر این، این کمیته به‌طور مستقیم با وزارتخانه‌های فدرال، نهادهای اجرایی و قانونگذاری در ارتباط است. وزارتخانه‌ها گزارش‌های ارزشیابی خود را به این کمیته ارسال می‌کنند تا تحلیل‌های جامعی درباره عملکرد خط‌مشی‌ها انجام شود. همچنین، این نهاد ارتباط نزدیکی با دیوان محاسبات فدرال دارد و نتایج ارزشیابی‌های خود را برای نهادهای نظارتی ارسال می‌کند.

کمیته پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی، از مقامات ارشد سه نهاد وزارت اقتصادی، دفتر ریاست‌جمهوری و دیوان محاسبات فدرال تشکیل شده است که به‌ترتیب مسئول هماهنگی و مدیریت بودجه‌های دولتی، نظارت بر خط‌مشی‌های اجرایی و هماهنگی بین‌دستگاهی و نظارت بر اجرای مالی و قانونی خط‌مشی‌های عمومی را بر عهده دارند [۱۹].

ب) دبیرخانه ارزشیابی و مدیریت اطلاعات^۲

این نهاد یکی از نهادهای کلیدی در فرایند پایش و ارزشیابی و بخشی از وزارتخانه‌های دولتی است که مسئولیت تدوین، اجرا و نظارت بر ارزشیابی خط‌مشی‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، مدیریت اطلاعات مرتبط و ارائه گزارش‌های عملکردی را بر عهده دارد. این دبیرخانه به‌طور مستقیم

1. Comitê de Monitoramento e Avaliação de Políticas Públicas Federais
2. Secretaria de Avaliação e Gestão da Informação

با وزارتخانه‌های مختلف در ارتباط است تا داده‌های ارزشیابی را گردآوری کند و تحلیل‌های جامعی از آنها ارائه دهد. علاوه بر این، دبیرخانه در برابر دیوان محاسبات ملی، کمیته نظارت و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال و پارلمان پاسخ‌گو است. از این رو، گزارش‌های تحلیلی و نتایج ارزشیابی دبیرخانه، به دو نهاد دیوان محاسبات و کمیته نظارت و ارزشیابی به‌منظور نظارت بر گزارش‌ها ارسال می‌گردد. همچنین این نهاد در تعامل با پارلمان، زمینه‌هایی برای تصویب قوانین جدید، تخصیص بودجه و اصلاحات در خط‌مشی‌های عمومی ایجاد می‌کند [۱۹].

ج) دیوان محاسبات فدرال^۱

دیوان محاسبات فدرال یکی از نهادهای کلیدی در سیستم نظارتی و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی در برزیل محسوب می‌شود. این نهاد وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین مالی، ارزشیابی عملکرد دولت در اجرای خط‌مشی‌های عمومی و تضمین کارایی و اثربخشی خط‌مشی‌های عمومی و شفافیت مالی را بر عهده دارد. دیوان محاسبات با وزارتخانه‌های دولتی و کمیته‌های نظارتی ارتباط مستقیم دارد. این نهاد، گزارش‌های ارزشیابی خود را به کمیته نظارت و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال ارسال می‌کند تا داده‌های حسابرسی شده در تصمیم‌گیری‌های اصلاحی مورد استفاده قرار گیرند. همچنین، این نهاد بر گزارش‌های ارائه شده توسط وزارتخانه‌ها و دبیرخانه ارزشیابی نظارت دارد تا صحت و دقت داده‌های تحلیلی تضمین گردد. علاوه بر این، دیوان نقش مهمی در نظارت پارلمانی بر خط‌مشی‌های عمومی ایفا می‌کند. این نهاد داده‌های خود را در قالب گزارش‌های تفصیلی به پارلمان ارسال می‌کند تا نمایندگان بتوانند تصمیمات آگاهانه‌تری درباره تصویب قوانین جدید، اصلاحات بودجه‌ای و تغییرات ساختاری در خط‌مشی‌های عمومی اتخاذ کنند [۱۹].

د) وزارتخانه‌های فدرال

وزارتخانه‌های فدرال در برزیل نقش مهمی در فرایند پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی ایفا می‌کنند. این نهادها مسئولیت جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل نتایج، ارزشیابی عملکرد و تدوین گزارش‌های ارزشیابی و ارائه آنها را به نهاد‌های نظارتی بر عهده دارند. وزارتخانه‌ها گزارش‌های ارزشیابی خود را عمدتاً به «کمیته نظارت و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال» ارسال می‌کنند. این کمیته مسئول بررسی نتایج تحلیل‌ها، نظارت بر تغییرات خط‌مشی‌ها و ارائه پیشنهادها اصلاحی است. علاوه بر این، وزارتخانه‌ها به‌صورت نظام‌مند با پارلمان ارتباط دارند. از یک سو، نتایج تحلیل‌های ارزشیابی از طریق این کمیته‌ها به نهاد‌های قانونگذاری برای اخذ تصمیمات بودجه‌ای و اصلاح قوانین ارائه می‌شود؛ از سوی دیگر، برخی وزارتخانه‌ها به‌طور مستقیم با نمایندگان پارلمان در تدوین قوانین مرتبط با خط‌مشی‌های عمومی همکاری می‌کنند تا خط‌مشی‌گذاری‌ها مبتنی بر داده‌های واقعی انجام گیرد [۱۹].

یکی از وزارتخانه‌ها، که نقش کلیدی در تدوین، نظارت و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی را بر عهده دارد، «وزارت برنامه‌ریزی، بودجه و مدیریت برزیل»^۲ است. این نهاد وظیفه تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت دولتی، مدیریت منابع مالی و بودجه‌ای کشور، ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی دولت و ارزشیابی عملکرد خط‌مشی‌های عمومی از طریق جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و تهیه گزارش‌های ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی را بر عهده دارد. علاوه بر این، این وزارتخانه گزارش‌های سالیانه اجرای بودجه و نتایج برنامه‌های عمومی را به پارلمان ارائه می‌دهد و در صورت درخواست پارلمان، موظف به ارائه اطلاعات دقیق درباره نحوه هزینه‌کرد بودجه به کمیسیون‌های تخصصی و مشارکت در جلسات بررسی قوانین بودجه‌ای و اقتصادی مجلس است. همچنین این وزارتخانه به دیوان محاسبات فدرال، دفتر ریاست جمهوری و وزارت اقتصاد برزیل پاسخ‌گو است [۱۹].

ه) نهادهای بین‌المللی

علاوه بر نهادهای ملی، نهادهای بین‌المللی نیز به‌عنوان یکی از بازیگران مهم فرایند ارزشیابی، از طریق تأمین مالی، انتقال دانش تخصصی، تدوین استانداردها و اجرای روش‌های ارزشیابی تجربی، در برزیل فعالیت می‌کنند. بانک جهانی یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌ها در این زمینه

1. Tribunal de Contas da União

2. Ministério do Planejamento, Orçamento e Gestão



بوده که با تأمین منابع مالی، برزیل را در ایجاد یک ساختار ارزشیابی کارآمد یاری داده است. این نهاد همچنین استانداردهای بین‌المللی را برای ارزشیابی عملکرد خط‌مشی‌های عمومی ارائه داده که دولت برزیل از آنها در تدوین خط‌مشی‌های خود استفاده کرده است. علاوه بر این، بانک جهانی از طریق بررسی‌های تطبیقی، امکان مقایسه خط‌مشی‌های برزیل با سایر کشورها را فراهم می‌آورد تا دولت بتواند براساس داده‌های مستند، تصمیمات اصلاحی اتخاذ کند. «مرکز یادگیری در ارزشیابی و نتایج»^۱ نیز در این فرایند نقش حمایتی و آموزشی ایفا کرده است. این مرکز از سوی بانک جهانی هدایت شده و از طریق ارائه دوره‌های آموزشی و انتقال دانش، مهارت‌های ارزشیابی را میان مدیران دولتی برزیل تقویت کرده است. این نهاد همچنین ابزارهایی برای استانداردهای فرایندهای پایش و ارزشیابی در سطح ملی ارائه داده که موجب افزایش کارایی و شفافیت شده است [۲۰].

علاوه بر موارد ذکر شده، برخی نهادها مانند «مؤسسه تحقیقات اقتصادی کاربردی»^۲، «شبکه ملی نظارت و ارزشیابی برنامه‌های دولتی»، «انجمن متخصصان ارزشیابی امریکای لاتین» و «شبکه برزیلی ارزشیابی و نظارت» نیز در ساختار حکمرانی برزیل به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تعمیق ارزشیابی می‌پردازند [۱۹].

در مجموع، ساختار ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی برزیل مبتنی بر همکاری میان نهادهای اجرایی، نظارتی و قانونگذاری است که عملکردشان در یک چارچوب شبکه‌ای سازمان‌دهی شده است. کمیته پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی فدرال، که زیر نظر وزارت اقتصاد فعالیت می‌کند، مسئولیت هدایت و اجرای ارزشیابی را بر عهده دارد و یافته‌های خود را به نهادهای نظارتی و قانونگذاری ارائه می‌دهد. در این میان، دیوان محاسبات فدرال به‌عنوان نهادی مستقل، گزارش‌های ارزشیابی را بررسی و صحت مالی و اجرایی آنها را تأیید می‌کند. وزارتخانه‌های فدرال نیز وظایف اجرایی ارزشیابی را بر عهده دارند و نتایج تحلیل‌های خود را به کمیته پایش و دیوان محاسبات ارسال می‌کنند. این تعامل چندسطحی میان نهادهای اجرایی، نظارتی و قانونگذاری، موجب شکل‌گیری فرایند ارزشیابی شده است که بر مبنای تحلیل داده‌های واقعی، کنترل نهادی و بررسی تخصصی، به بهبود عملکرد خط‌مشی‌های عمومی کمک می‌کند.

۴-۲-۵. کلمبیا

«سیستم ملی ارزشیابی و مدیریت برای نتایج»^۳ کلمبیا یکی از جامع‌ترین و ساختار یافته‌ترین نظام‌های ارزشیابی دولتی در امریکای لاتین محسوب می‌شود که با هدف ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و بهبود عملکرد دولت از طریق ارزشیابی مستمر برنامه‌ها و خط‌مشی‌های عمومی طراحی شده است. این سیستم در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد و تحت نظارت «دفتر ملی برنامه‌ریزی»^۴ به‌عنوان چارچوب ملی قرار دارد که شامل مجموعه‌ای از بازیگران مرتبط با ارزشیابی می‌شود که در بخش‌های مختلف دولتی، دانشگاهی و خصوصی فعالیت دارند. علاوه بر این، نهادی با عنوان «کمیته ارزشیابی بین‌بخشی»^۵ متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کلیدی مانند وزارت دارایی، وزارت برنامه‌ریزی و سایر نهادهای دولتی، وظیفه تعیین اولویت‌های ارزشیابی، بررسی روش‌های ارزشیابی و تحلیل نتایج ارزشیابی‌ها را بر عهده دارد. به‌طور کل، وظایف و مأموریت‌های این سیستم شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های ارزشیابی و مدیریت نتایج می‌شود که به‌طور مستقیم بر خط‌مشی‌گذاری عمومی تأثیر می‌گذارند. این سیستم وظیفه ارزشیابی تمام برنامه‌های دولتی در سطح ملی و محلی با تأکید بر نتایج و تأثیرات برنامه‌ها را دارد. مکانیزم‌های اجرایی این سیستم به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوانند ارزشیابی‌های مستقل و علمی را در سطح ملی اجرا کنند. از این رو، ارزشیابی‌ها عمدتاً توسط مؤسسات تحقیقاتی و شرکت‌های خصوصی انجام می‌گیرند که از طریق فرایندهای رقابتی انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، تأمین مالی ارزشیابی‌ها در این سیستم عمدتاً از طریق منابع دولتی یا حمایت مالی بانک جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی انجام می‌گیرند [۱۹].

1. Center for Learning on Evaluation and Results
2. Instituto de Pesquisa Econômica Aplicada
3. Sistema Nacional de Evaluación y Gestión Para Resultados
4. Departamento Nacional de Planeación
5. Intersectoral Evaluation Committee

الف) دفتر ملی برنامه‌ریزی

دفتر ملی برنامه‌ریزی در کلمبیا یکی از مهم‌ترین نهادهای دولتی است که نقش کلیدی در هدایت، هماهنگی و نظارت بر خط‌مشی‌های عمومی و برنامه‌های توسعه‌ای ایفا می‌کند. این نهاد موظف است تا طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های برنامه‌ریزی و ارزشیابی را، که به‌طور مستقیم بر خط‌مشی‌گذاری عمومی و مدیریت منابع ملی تأثیر می‌گذارد، انجام دهد. این دفتر وظیفه تدوین برنامه‌های توسعه‌ای، تخصیص منابع مالی و نظارت بر اجرای خط‌مشی‌های عمومی را بر عهده دارد. علاوه بر این، این نهاد موظف به نظارت بر اجرای توصیه‌های ارزشیابی از طریق سیستم‌های پیگیری و گزارش‌دهی است تا یافته‌های ارزشیابی در تصمیم‌گیری‌های دولتی مورد استفاده قرار گیرند. همچنین ساختار و سازمان‌دهی این نهاد به‌گونه‌ای طراحی شده است که بتواند برنامه‌ریزی ملی، ارزشیابی خط‌مشی‌ها و مدیریت منابع را به‌صورت هماهنگ اجرا کند. این دفتر شامل چندین بخش تخصصی است که هر یک مسئولیت نظارت بر حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی را بر عهده دارند. یکی از مهم‌ترین واحدهای زیرمجموعه این نهاد، «اداره ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی»^۱ است که به‌عنوان دبیرخانه فنی سیستم ملی ارزشیابی و مدیریت برای نتایج عمل می‌کند و مسئولیت اجرای ارزشیابی‌های تأثیر، تحلیل داده‌ها و ارائه توصیه‌های خط‌مشی را بر عهده دارد [۱۹].

ب) کمیته بین‌بخشی ارزشیابی

این کمیته یکی از ارکان کلیدی سیستم ملی ارزشیابی و مدیریت برای نتایج محسوب می‌شود که نقش اساسی در هماهنگی، هدایت و نظارت بر ارزشیابی‌های دولتی ایفا می‌کند. این کمیته به‌عنوان نهاد مشورتی و تصمیم‌گیرنده، وظیفه تعیین اولویت‌های ارزشیابی، بررسی روش‌های ارزشیابی و تحلیل نتایج ارزشیابی‌ها برای بهبود خط‌مشی‌های عمومی را بر عهده دارد. ساختار این نهاد به‌گونه‌ای طراحی شده است که بتواند همکاری میان نهادهای مختلف دولتی، دانشگاهی و تحقیقاتی را تسهیل، و از طریق مشارکت بین‌بخشی، ارزشیابی‌های جامع و علمی را در سطح ملی اجرا کند. علاوه بر این، این کمیته وظیفه نظارت و تحلیل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اثرگذار بر کیفیت ارزشیابی‌ها و استفاده از نتایج آنها در خط‌مشی‌گذاری عمومی را بر عهده دارد. این وظایف موجب می‌شود که فرایند ارزشیابی در کلمبیا به‌صورت نظام‌مند و هماهنگ اجرا شود و نتایج آن بتواند به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های دولتی به کار گرفته شود [۱۹].

به‌طور کل، نظام ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی کلمبیا به‌صورت دولت‌محور سازمان‌دهی شده و تمرکز آن بر پایش و تحلیل خط‌مشی‌های عمومی از طریق نهادهای اجرایی است. دفتر ملی برنامه‌ریزی به‌عنوان متولی اصلی ارزشیابی، مسئولیت هدایت و اجرای فرایندهای ارزشیابی را بر عهده دارد و یافته‌های تحلیلی خود را به نهادهای قانونگذاری و نظارتی ارائه می‌دهد. کمیته بین‌بخشی ارزشیابی نیز با مشارکت وزارتخانه‌های کلیدی، وظیفه تعیین اولویت‌های ارزشیابی و بررسی روش‌های اجرایی آن را بر عهده دارد. برخلاف برخی کشورها، که نظارت پارلمانی نقش برجسته‌ای در ارزشیابی دارد، در کلمبیا پارلمان بیشتر بر بررسی گزارش‌های ارزشیابی و تأثیر آنها بر تصمیمات قانونگذاری تمرکز دارد، اما نقش آن در هدایت ارزشیابی محدودتر است. این ساختار نشان‌دهنده وابستگی ارزشیابی به نهادهای اجرایی و حسابرسی مالی است؛ در حالی که نظارت قانونگذاری عمدتاً به بررسی نتایج ارزشیابی محدود شده است و کمتر در فرایند هدایت آن نقش دارد.

۳-۵. تأثیر ساختار سیاسی و شکل حکومت بر وابستگی نهادی در فرایند ارزشیابی

ساختار سیاسی ریاستی تأثیر عمیقی بر نحوه سازمان‌دهی فرایند ارزشیابی در کشورها دارد. در این نظام، تفکیک قوا به‌عنوان یکی از اصول بنیادی، موجب استقلال نسبی نهادهای اجرایی از پارلمان شده و در نتیجه، فرایند اجرا و نظارت بر نتایج ارزشیابی بیشتر به نهادهای دولتی و مستقل وابسته است. در نظام‌های ریاستی، ارزشیابی عمدتاً از طریق مکانیزم‌های اجرایی و حسابرسی دولتی با محوریت دولت مرکزی صورت می‌گیرد و به ارزشیابی تأثیرات در سایر موضوعات بسط می‌یابد. در این کشورها، نقش پارلمان عمدتاً به دریافت

1. Dirección de Evaluación de Políticas Públicas



گزارش‌های ارزشیابی و بررسی نتایج آنها محدود است.

در کشورهای با نظام ریاستی - بسیط، قدرت اجرایی به‌طور کامل در اختیار نهاد ریاست جمهوری قرار دارد و پارلمان عمده‌تاً در نقش نهاد نظارتی غیرمداخله‌گر ظاهر می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود که فرایند ارزشیابی توسط واحدهای اجرایی وابسته به دولت انجام شود و گزارش‌های آنها به‌عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری در اختیار پارلمان قرار گیرد. برای مثال، در پرو و بولیوی، ارزشیابی عمدتاً از طریق وزارتخانه‌های مرکزی و نهادهای وابسته به دولت مرکزی انجام می‌گردد که گزارش‌های آن به پارلمان ارسال می‌شود. در شیلی نیز با وجود قدرت بسیار پارلمان در فرایند ارزشیابی، مسئولیت تعیین اولویت‌های ارزشیابی بر عهده وزارت دارایی است که این مهم بیانگر نقش مهم دولت است. این مدل اجرایی باعث می‌شود که ارزشیابی، رویکردی از بالا به پایین داشته باشد و وابستگی آن به قوه مجریه تقویت شود.

در کشورهای ریاستی - فدرال، تفاوت‌های معناداری در ساختار ارزشیابی مشاهده می‌شود. به دلیل توزیع قدرت میان دولت مرکزی و ایالت‌ها، نهادهای ارزشیابی از مدل چندسطحی تبعیت می‌کنند که در آن، ارزشیابی در دو سطح ملی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد. برای مثال در ایالات متحده، مکزیک و برزیل، دیوان‌های محاسبات فدرالی، دفاترهای حسابرسی مستقل و کمیسیون‌های ارزشیابی ایالتی مسئول نظارت بر اجرای ارزشیابی در سطوح مختلف‌اند. در این مدل، پارلمان نقش مستقیم کمتری در اجرای ارزشیابی دارد و نظارت نهایی بر فرایند ارزشیابی عمدتاً از طریق نهادهای تخصصی مستقل صورت می‌گیرد. برای مثال، در ایالات متحده، دفتر حسابرسی دولتی مسئول ارزشیابی خط‌مشی‌های دولتی است و گزارش‌های خود را به‌طور مستقیم به کنگره ارائه می‌دهد. در مکزیک نیز شورای ملی ارزشیابی خط‌مشی‌های اجتماعی به‌عنوان یک نهاد مستقل، ارزشیابی برنامه‌های اجتماعی دولت را انجام می‌دهد و نتایج آن را به پارلمان مکزیک گزارش می‌کند.

۴-۵. نقش نظام سیاسی و شکل حکومت در تفکیک وظایف نهادهای ارزشیابی

فرایند ارزشیابی توسط نهادهای مختلفی انجام می‌گردد که هر کدام از آنها وظایف مختص به خود را بر عهده دارند. بر این اساس، برخی از این نهادها به‌عنوان مجری ارزشیابی و برخی دیگر به‌عنوان ناظر بر فرایند و نتایج ارزشیابی به حساب می‌آیند که تفکیک وظایف، متأثر از تعیین‌کننده‌هایی است که پیش‌تر ذکر شده است.

در نظام‌های سیاسی ریاستی، به‌علت جدایی قوا، فرایند نظارت و ارزشیابی متفاوت از نظام‌های پارلمانی است. به دلیل استقلال قوه مجریه از قوه قانونگذاری، نظارت بر اجرای خط‌مشی‌ها عمدتاً از طریق چارچوب‌های فنی و نهادهای مستقل ارزشیابی صورت می‌گیرد و نقش پارلمان در این فرایند کم‌رنگ‌تر از نظام‌های پارلمانی است. این الگوی نظارتی موجب می‌شود که ارزشیابی از مسیرهای اجرایی و حسابرسی انجام گیرد و کنترل پارلمان عمدتاً به سطح بررسی گزارش‌های نهادهای نظارتی و ارزشیابی محدود گردد. برای نمونه، در ایالات متحده آمریکا، «دفتر حسابرسی دولتی» به‌عنوان نهادی مستقل از دولت، وظیفه ارزشیابی عملکرد مالی و اجرایی نهادهای دولتی را بر عهده دارد. در شیلی، اداره ارزشیابی قوانین به‌صورت مستقل به مدیریت نتایج ارزشیابی و ارائه گزارش‌ها به سایر نهادها از جمله پارلمان را بر عهده دارد.

علاوه بر ساختار سیاسی، شکل حکومت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در مدل نهادی ارزشیابی ایفا می‌کند. در کشورهای با ساختار بسیط، اجرای ارزشیابی معمولاً به شکل «دولت‌محور» انجام شده است و تحت نظارت نهادهای وابسته به دولت قرار دارد. در این کشورها، دولت نقش اصلی در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های ارزشیابی را بر عهده دارد و نهادهای نظارتی مستقل به پایش این عملکرد می‌پردازند. در مقابل، در کشورهای با ساختار فدرالی، وظایف ارزشیابی میان نهادهای منطقه‌ای و مرکزی تقسیم می‌شود و برخی نهادهای ارزشیابی تحت نظارت مستقیم پارلمان‌های منطقه‌ای عمل می‌کنند. برای مثال، در آمریکا و مکزیک، ارزشیابی در سطح ملی توسط نهادهای مستقل نظارتی صورت می‌گیرد، اما ایالت‌ها نیز وظیفه ارزشیابی برنامه‌های منطقه‌ای را به‌طور جداگانه بر عهده دارند.

باتوجه به این دو عامل (ساختار سیاسی و شکل حکومت)، مدل نهادی ارزشیابی در کشورهای دارای نظام ریاستی تفاوت‌های قابل توجهی با کشورهای پارلمانی دارد. در نظام‌های ریاستی - بسیط، ارزشیابی تحت نظارت دولت انجام می‌شود و نظارت پارلمان به بررسی گزارش‌های نهادهای مستقل محدود است؛ در حالی که در نظام‌های ریاستی - فدرال، ارزشیابی در دو سطح ملی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد و نقش نظارتی پارلمان در سطح فدرالی، از طریق نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات، دفاتر حسابرسی یا سایر نهادهای مستقل ملی و منطقه‌ای تقویت می‌شود (جدول ۲).

جدول ۲. محوریت نهادهای ارزشیابی در کشورهای منتخب

کشور	نوع نظام سیاسی	شکل حکومت	محوریت ارزشیابی
شیلی	ریاستی	بسیط	ترکیبی
کلمبیا	ریاستی	فدرال	دولت‌محور
پرو	ریاستی	بسیط	دولت‌محور
امریکا	ریاستی	فدرال	دولت‌محور
بولیوی	ریاستی	بسیط	دولت‌محور
برزیل	ریاستی	فدرال	دولت‌محور
مکزیک	ریاستی	فدرال	دولت‌محور

مأخذ: همان.

۵-۵. مقایسه مدل نهادی ارزشیابی در کشورهایی با نظام سیاسی پارلمانی، نیمه پارلمانی و ریاستی و ساختار بسیط و فدرال

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، ساختار نهادی ارزشیابی در هر کشور نیازمند الزامات مختص به خود است. بر این اساس، به‌منظور بهینه‌سازی کارکرد نهادهای ارزشیابی و افزایش کارایی آن، باید به این الزامات پایبند بود. کشورهایی با نظام پارلمانی و ساختار بسیط، ارزشیابی توسط وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی انجام می‌شود و پارلمان نقش نظارت نهایی بر نتایج ارزشیابی را دارد. برای مثال، در بریتانیا، گزارش‌های ارزشیابی وزارتخانه‌ها توسط کمیسیون‌های تخصصی پارلمان به‌طور جدی بررسی و براساس آن تصمیمات اصلاحی و بودجه‌ای اتخاذ می‌شود. در نظام‌های پارلمانی فدرال نیز اجرای ارزشیابی میان سطوح ملی و منطقه‌ای تقسیم می‌شود که نقش پارلمان در نظارت و اجرای ارزشیابی قابل توجه است. برای نمونه، در هند، دفتر ارزشیابی مستقل و وزارتخانه‌ها در کنار پارلمان وظیفه اجرای ارزشیابی را برعهده دارند. باین حال، در نظام‌های ریاستی با ساختار بسیط، اجرای ارزشیابی توسط وزارتخانه‌های مرکزی و نهادهای وابسته به آن انجام می‌شود و نهادهای مستقل مسئولیت نظارت بر نتایج آن و ارائه گزارش‌های نهایی به پارلمان را برعهده دارند. باین حال، پارلمان همچنان نقش نظارتی دارد، اما محدودتر از نظام‌های پارلمانی است. برای مثال، در پرو، ارزشیابی توسط شبکه پایش و ارزشیابی و وزارتخانه‌ها صورت می‌گیرد و نظارت نهایی توسط دفتر ملی نظارت و ارزشیابی و پارلمان انجام می‌شود.

در نظام‌های ریاستی فدرال، ارزشیابی در سطوح مختلف (ملی و ایالتی) اجرا می‌شود و نظارت بر نتایج ارزشیابی به نهادهای مستقل نظارتی واگذار شده است. مشارکت پارلمان در این فرایند محدود است؛ باین حال به‌دلیل تمرکززدایی از دولت مرکزی، امکان ایفای نقش پارلمان در امر اجرای ارزشیابی بیشتر از نظام بسیط وجود دارد.

علاوه بر این، در نظام‌های نیمه پارلمانی بسیط، اجرای ارزشیابی توسط دولت و وزارتخانه‌های مرکزی انجام می‌شود، اما نظارت بر نتایج



ارزشیابی به صورت ترکیبی از نهادهای مستقل حسابرسی و پارلمان صورت می‌گیرد. این مدل ترکیبی باعث افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت می‌شود. برای مثال، در فرانسه، کمیسیون‌های پارلمانی و نهادهای نظارتی مستقل به‌طور مشترک بر ارزشیابی قوانین نظارت دارند (جدول ۳).

جدول ۳. تفکیک وظایف نهادهای ارزشیابی بر اساس نظام سیاسی و شکل حکومت

نوع نظام	فدرال	بسیط
پارلمانی	نظارت بر ارزشیابی: پارلمان مرکزی، نهادهای نظارتی و کمیسیون‌های منطقه‌ای اجرای ارزشیابی: ترکیبی از واحدهای مرکزی و منطقه‌ای	نظارت بر ارزشیابی: پارلمان مرکزی اجرای ارزشیابی: وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی
ریاستی	نظارت بر ارزشیابی: نهادهای مستقل نظارتی در سطح فدرال و ایالت (نقش پارلمان مرکزی کمتر است) اجرای ارزشیابی: وزارتخانه‌های مرکزی و واحدهای منطقه‌ای	نظارت بر ارزشیابی: نهادهای مستقل و مشارکت محدود پارلمان اجرای ارزشیابی: وزارتخانه‌های مرکزی و نهادهای وابسته به آن
نیمه‌پارلمانی	نظارت بر ارزشیابی: ترکیبی از نظارت ملی و منطقه‌ای اجرای ارزشیابی: وزارتخانه‌های مرکزی و واحدهای منطقه‌ای	نظارت بر ارزشیابی: ترکیبی از پارلمان و نهادهای مستقل اجرای ارزشیابی: وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی

مأخذ: همان.

۶. جمع‌بندی و پیشنهادها



ارزشیابی از ارکان اساسی فرایند خط‌مشی‌گذاری و قانونگذاری در حکمرانی است. این دو فرایند به قانونگذاران و خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا از میزان کارآمدی، تأثیرگذاری و تحقق اهداف قوانین و خط‌مشی‌های اجرایی اطمینان حاصل کنند. این مهم زمانی محقق می‌شود که ارزشیابی به صورت نظام‌مند و نهادی انجام گیرد و فرایند ارزشیابی از اقداماتی مقطعی و پراکنده فراتر رود. یکی از لازمه‌های نهادینه‌سازی ساختار ارزشیابی، تأسیس یا تخصیص نهادی به‌منظور رسیدگی به این امر است. با این حال، صرف نهادسازی به تعمیق نظارت و ارزشیابی ختم نمی‌شود و انطباق این نهاد با ساختار سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و... ضروری است. این مهم، تبیین‌گر ضرورت بررسی ساختارهای نهادی ارزشیابی و نظارتی در کشورهای جهان و استخراج مدل‌های نهادی در این کشورهاست. به‌طور کل، عوامل متعددی بر کارآمدی نهاد نظارتی و ارزشیابی تأثیرگذارند. این عوامل شامل نوع نظام سیاسی (پارلمانی، ریاستی، نیمه‌پارلمانی)، شکل حکومت (بسیط یا فدرالی)، میزان انسجام میان نهادی، سطح شفافیت و پاسخ‌گویی سازمان‌ها، فرهنگ سیاسی مبتنی بر ارزشیابی، میزان استقلال نهاد ارزشیابی و سطح استفاده از داده‌های شواهدمحور در تصمیم‌گیری‌هاست. با وجود این، نظام سیاسی و شکل حکومت به‌عنوان دو تعیین‌گر مهم ساختار نهاد ارزشیابی به حساب می‌آیند. بر این اساس، یافته‌ها گویای آن است که کشورهایی با نظام پارلمانی، نیمه‌پارلمانی و ریاستی و ساختار بسیط و فدرالی، دارای ساختار نهادی متنوعی در اجرا و نظارت بر ارزشیابی‌اند. در این گزارش، به‌طور خاص به کشورهایی با ساختار سیاسی ریاستی و شکل حکومت بسیط و فدرال پرداخته شده است. نتایج گویای آن است که در کشورهایی با ساختار ریاستی-بسیط، دولت محور است و نظارت بر ارزشیابی توسط نهادهای مستقل و مشارکت محدود پارلمان و اجرای آن توسط وزارتخانه‌های مرکزی و نهادهای وابسته به آن انجام می‌گیرد. همچنین، در ساختارهای ریاستی-فدرال نیز، نظارت بر ارزشیابی توسط نهادهای مستقل نظارتی در سطح فدرال و ایالت انجام می‌گردد و وزارتخانه‌های مرکزی و واحدهای منطقه‌ای وظیفه اجرای ارزشیابی را برعهده دارند. با این حال، نکته حائز اهمیت، درس‌آموزی و الگوبرداری از تجربیات نهادی کشورها به‌منظور تعمیق ارزشیابی در کشور است که این مهم مشروط بر رعایت اصولی مانند بومی‌سازی مسائل

و راه حل‌ها، ایجاد محیط‌های تشویق‌کننده در داخل و بین بخش‌های سازمانی، تلاش، یادگیری، تکرار، انطباق، مشروع‌سازی و عملیاتی‌سازی اصلاحات، در این پژوهش انجام گرفته است.

باتوجه به نوظهوری امر ارزشیابی در ایران، اهمیت نهادینه‌سازی آن در ساختار حکمرانی کشور و ملاحظات موجود در تجربیات کشورهای مختلف در نهادینه‌سازی ارزشیابی، پیشنهاد می‌گردد که راهبردهای توسعه‌ای ارزشیابی به صورت دومرحله‌ای و پله‌ای انجام شود: راهبردهای موقتی - ابتدایی و راهبردهای دائمی - نهایی.

■ **راهبردهای موقتی - ابتدایی:** به منظور بروز و آشنایی با چالش‌های بالقوه در نهادینه‌سازی ارزشیابی در کشور و فراهم‌سازی زمینه‌های مورد نیاز و حیاتی به منظور نیل به هدف، پیشنهاد می‌گردد تا در مرحله اولیه مسئولیت ارزشیابی به پارلمان و به‌طور خاص مرکز پژوهش‌های مجلس واگذار شود.

۱. باتوجه به ساختار قانونی موجود در آیین‌نامه داخلی مجلس مبنی بر بند «ج» ماده (۲) قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد می‌شود تا مرکز پژوهش‌های مجلس و دفترهای زیرمجموعه آن به صورت مجزا و بر حسب موضوع مربوطه، وظیفه ارزشیابی را برعهده گیرند.

۲. به منظور ایجاد هماهنگی میان این دفاتر، پیشنهاد می‌گردد تا از ظرفیت **کارگروه ارزشیابی** ذیل دفتر حکمرانی در راستای نظارت، مدیریت و هماهنگی بر اجرای ارزشیابی استفاده شود.

۳. به منظور توسعه و ترویج فرهنگ ارزشیابی، مرکز پژوهش‌ها می‌تواند از ظرفیت نهادهای مستقل اندیشه‌ورز خارج از سازمان، استفاده کند.

۴. گزارش‌های کار انجام شده پس از ۶ ماه باید به منظور نظارت و اظهار نظر مراجع بالادست، به معاونت نظارت ارسال و تقدیم رئیس قوه مقننه گردد تا از این طریق چالش‌های شناسایی شده به منظور توسعه ارزشیابی رفع شود.

۵. همچنین در صورت موافقت نهادهای بالادستی، گزارش‌هایی برای اخذ تصمیم‌گیری نهایی به کمیسیون‌های تخصصی مربوطه ارسال می‌شود و در دستور کار و رسیدگی نمایندگان قرار می‌گیرد.

۶. به منظور افزایش کیفیت گزارش‌ها، دفترهای مرکز پژوهش‌ها می‌توانند با مدیریت کارگروه ارزشیابی، به صورت مشترک به ارزشیابی موضوعات مشترک بپردازند و از ظرفیت سایر نهادهای مربوطه استفاده کنند.

۷. موضوع‌های انتخابی برای ارزشیابی از طریق سازوکار مشخصی که شامل موارد ذیل باشد، مشخص و انتخاب می‌گردد: الف) به منظور ارزشیابی هر چه بهتر قوانین، باید مدتی مشخص از تدوین و اجرای قانون گذشته باشد که این مدت توسط متخصصین تعیین می‌گردد. ب) قانون مورد ارزشیابی باید مورد توافق معاونت نظارت، کمیسیون‌های تخصصی و دفترهای مربوط به موضوع در مرکز پژوهش‌ها باشد.

۸. به منظور ارزشیابی نتایج طرح موقت - ابتدایی، لازم است تا کارگروه ارزشیابی، به تعریف شاخص‌های موفقیت یا عدم موفقیت طرح آزمایشی بپردازد و گذار به مرحله نهایی نهادینه‌سازی ارزشیابی در کشور، مشروط بر کسب نتایج مورد قبول از شاخص‌های تعریف شده است.

■ **راهبردهای دائمی - نهایی:** پس از اجرای راهبردهای موقتی - ابتدایی و ظهور چالش‌های بالقوه نهادینه‌سازی ارزشیابی، اجرای پیش‌نیازهای مورد نظر برای رفع موانع و همسوسازی ساختار حکمرانی با امر ارزشیابی و کسب نتایج مورد پذیرش، نیازمند طراحی الگویی دائمی از ساختار نهادی ارزشیابی در کشور است. بر این اساس، موارد ذیل برای تدوین این الگو پیشنهاد می‌گردد.

به منظور سازمان‌دهی به سلسله‌مراتب ارزشیابی و ایجاد پیوند میان آن در سطوح سیاست‌های کلی نظام، سطح خط‌مشی‌گذاری و سطح تدوین برنامه اجرایی، ضروری است تا یک نهاد مسئولیت‌محوری امر ارزشیابی را برعهده گیرد. **مجمع تشخیص مصلحت نظام با محوریت**

کمیسیون نظارت و «مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی سیاست‌های کلان» به دلیل لزوم قانونی ناظر بر ارزشیابی سیاست‌های کلی نظام و به‌عنوان تنها نهاد مسئول ارزشیابی در کشور، مناسب‌ترین گزینه برای اخذ این مسئولیت به‌شمار می‌آید. این در حالی است که حیطة وظایف سایر نهادها مانند دیوان محاسبات کشور، سازمان حسابرسی کل کشور، سازمان برنامه و بودجه، کمیسیون اصل (۹۰)، معاونت



نظارت مجلس و...، محدود بر حوزه حسابرسی و ارزشیابی عملکرد، و نه ارزشیابی تأثیرات است. بر این اساس، متولیان ارزشیابی در هر سطح، با محوریت مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سطح کلان تا سطح خرد به این شرح خواهد بود:

۱. ارزشیابی سطوح کلان سیاسی: با توجه به ابلاغیه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سال ۱۳۹۲، مجمع تشخیص مصلحت نظام موظف به نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام شده است. به منظور تکمیل این فرایند و تعمیق ساختار نظارت و تحقق ماده (۵) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مجمع باید به سامان‌دهی دقیق سطوح مختلف ارزشیابی و تعیین و مکلف‌سازی دستگاه‌های ذی‌ربط بپردازد و سازوکاری منسجم، شفاف و دقیق در امر ارزشیابی به وجود آورد. بر این اساس، باید گزارش‌های ارزشیابی در سایر سطوح توسط «مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی سیاست‌های کلان» به منظور شناسایی و آسیب‌شناسی مراتب مداخلات حاکمیتی تجمیع و تدقیق گردد و بازخورد مناسب به نهاد متولی با توجه به آسیب‌شناسایی شده در هر سطح ارائه گردد. در این مرحله، مرکز ارزیابی و نظارت می‌تواند طبق ماده (۹) مقررات نظارت، از داده‌های سایر نهادها نیز استفاده کند و نظرات و اقدامات بازخوردی مقتضی را به نهادهای متولی ارائه شود. همچنین گزارشی از وضعیت اجرای سیاست‌های کلی نظام، به صورت دوره‌ای (هر پنج سال یک بار) در اختیار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نهادهای بالادستی قرار می‌گیرد و بازخوردهای کلان در این مرحله به سطوح پایین‌تر منتقل می‌گردد.

۲. سطح میانی (خط‌مشی / قانون): قوه مقننه به عنوان متولی اصلی در ارزشیابی خط‌مشی‌ها محسوب می‌گردد. ارزشیابی در این سطح متوقف بر دو نوع است: اجرای ارزشیابی توسط مجلس به صورت مستقل و نظارت بر نتایج ارزشیابی‌های انجام شده توسط قوه مجریه. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، نخستین اقدام راهبردی پیشنهادی در این سطح، تقویت سازوکارهای اجرای ارزشیابی ذیل وزارتخانه‌های متولی و الزام آن به ارائه گزارش‌های دوره‌ای در دو قالب خلاصه و تکمیلی، به مجلس شورای اسلامی است. در نتیجه، گزارش‌ها پس از ارسال به معاونت نظارت مجلس، از طریق کمیسیون‌های تخصصی مجلس، به مرکز پژوهش‌های مجلس فرستاده می‌شود و پس از اظهار نظر کارشناسانه در مرکز، نتایج آن برای تصمیم‌گیری نهایی به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع می‌گردد. با این حال، با هدف مدیریت و نظارت بر اجرای ارزشیابی، پیشنهاد می‌گردد تا نهادی مسئولیت مدیریت و هماهنگی اجرای ارزشیابی را ذیل قوه مجریه بر عهده گیرد. گفتنی است «گزارش‌های کامل ارزشیابی»، که توسط قوه اجرایی به مجلس ارسال می‌گردد، دیگر بار ارزشیابی خواهد شد (متارزشیابی) و نتایج آن در اختیار «مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی سیاست‌های کلان» قرار می‌گیرد. در گام دوم، علاوه بر وظیفه نظارتی مجلس بر نتایج ارزشیابی، مجلس می‌تواند از طریق سازوکار رویه‌ای و بر حسب ضرورت، به صورت موضوعی و مستقل به اجرای ارزشیابی بپردازد. این امر می‌تواند از راه‌های متعددی شامل ارزشیابی ذیل کمیسیون‌های تخصصی، کمیسیون‌های ویژه، معاونت نظارت، نهادهای وابسته به مجلس و... انجام گیرد. با این حال با توجه به ملاحظات موجود و مطالعه انجام شده، پیشنهاد می‌گردد تا امر ارزشیابی از طریق درخواست کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی و ارسال آن به مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شود. بر این اساس، موضوعات مدنظر برای ارزشیابی، به تفکیک موضوعی، به دفترهای پژوهشی این مرکز ارسال می‌گردد تا این نهاد با استفاده از ظرفیت‌های فیزیکی، فنی و انسانی موجود، به اجرای ارزشیابی بپردازد و نتایج حاصل از آن را به صورت دوره‌ای به کمیسیون مربوطه برای نظارت بر نتایج و مقایسه آن با نتایج ارزشیابی حاصل از نهادهای ذیل قوه اجرایی و دیوان محاسبات کشور، تصمیم‌گیری بر اساس آن، ارسال کند. علاوه بر این، پیرو ماده (۹) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مجلس شورای اسلامی موظف به ارائه نتایج ارزشیابی خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تکمیل فرایند سلسله مراتبی ارزشیابی است. نتایج حاصله از ارزشیابی صورت گرفته، به منظور نظارت مجمع، پس از اتمام به این نهاد ارسال می‌گردد.

۳. سطح خرد (برنامه‌های اجرایی): خردترین سطح اجرایی سیاست‌های کلان، برنامه‌هایی‌اند که توسط قوه اجرایی کشور انجام می‌شوند. بر اساس ماده (۸) مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی - ۱۳۹۲/۱۲/۲۴)، دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند تا همکاری‌های لازم را در راستای ارزشیابی و نظارت با مجمع صورت دهند. از این رو، به منظور تدقیق در امر ارزشیابی در سطوح خرد و سامان‌بخشی به این فرایند، پیشنهاد می‌گردد تا واحدهای تحقیقاتی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، نسبت به ارزشیابی برنامه‌های

اجرائی اقدام و نتایج حاصله را به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی ارائه کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد تا گزارش‌های ارزشیابی شامل دو بخش «خلاصه خط‌مشی» و «گزارش کامل ارزشیابی» باشند که شامل توضیحات تکمیلی از جمله روش شناختی ارزشیابی، نکات تکمیلی، شاخص‌های مورد استفاده در ارزشیابی و توضیحات مبسوط حول موضوع ارزشیابی است. از این رو، دستگاه‌های اجرایی به ارائه «گزارش خلاصه خط‌مشی» به مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه، و ارائه «گزارش کامل ارزشیابی» به مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی موظف‌اند. همچنین به دلیل نوظهور بودن امر ارزشیابی و احتمال بروز خطاهای انسانی و ظهور چالش‌های فنی، پیشنهاد می‌گردد تا کارگروهی تخصصی از دانشگاهیان و متخصصان حوزه ارزشیابی نسبت به آموزش امر ارزشیابی در حوزه‌های مختلف به بازوهای پژوهشی وزارتخانه‌ها ایجاد گردد تا ضمن تربیت نیروی انسانی، الگوی راهنمایی را برای ارزشیابی در سطح خرد ایجاد کند. علاوه بر این، به منظور سامان بخشی به این روبه، ضروری است تا نهادی مسئولیت تجمیع و ارسال نتایج ارزشیابی را ذیل قوه اجرایی بر عهده گیرد و با توجه به ظرفیت‌های موجود در ساختار حکمرانی کشور، پیشنهاد می‌گردد تا این مسئولیت توسط معاونت‌های ریاست جمهوری در موضوعات مختلف انجام گردد. این پیشنهاد مجزا از دستورهای ماده (۹) مقررات نظارت است و دستگاه‌ها موظف‌اند تا در صورت نیاز مجمع، سایر سطوح همکاری را نیز با این نهاد بالادستی برقرار کنند.

نکات ذیل در سامان‌دهی به ساختار نهادی ارزشیابی کشور حائز اهمیت است:

- هر یک از سطوح، از جمله سطح کلان سیاسی، مسئولیت اجرا و نظارت بر ارزشیابی مختص به خود را بر عهده دارند. بر این اساس، مجمع مسئول اجرای ارزشیابی پایداری و تأثیر سیاست‌های کلان کشور، مجلس شورای اسلامی مسئولیت اجرای ارزشیابی تأثیر قوانین و خط‌مشی‌ها و وزارتخانه‌ها مسئولیت اجرای ارزشیابی کارایی و اثربخشی برنامه‌ها را بر عهده دارند. علاوه بر این، مجلس شورای اسلامی موظف بر نظارت بر یافته‌های ارزشیابی انجام شده توسط دستگاه اجرایی است و مجمع وظیفه دارد بر نتایج تمام فرایندهای ارزشیابی ذیل دو نهاد دیگر نظارت کند.
- به موجب این نکته، ارزشیابی در بازه‌های زمانی مختلفی انجام می‌گیرد. بر این اساس، ارزشیابی در سطح خرد در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت (سالانه) صورت می‌گیرد. در سطح میانی نیز پیشنهاد می‌گردد تا ارزشیابی تأثیر بر حسب موضوعات قانونی، در بازه‌های زمانی دو ساله انجام شود. در سطح کلان نیز، نتایج ارزشیابی تأثیر و پایداری به صورت دوره‌های پنج ساله ارائه می‌گردد.
- یکی از ضرورت‌های فرایند ارزشیابی، کاربست نتایج آن است. بر این اساس، به منظور اثرگذاری نتایج ارزشیابی در سطح خرد و میانی (ارزشیابی انجام شده توسط وزارتخانه‌ها و مجلس) بر بودجه سالانه، این گزارش باید پیش از لایحه بودجه، تقدیم مجلس شورای اسلامی و در صورت نیاز مجمع گردد تا از نتایج آن در بررسی لایحه ارسالی استفاده شود. علاوه بر این، به منظور کاربست نتایج ارزشیابی در سطح میانی و کلان (ارزشیابی انجام شده توسط مجلس و مجمع)، ضروری است تا از این نتایج در تنظیم و تدوین برنامه‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور استفاده شود.
- یکی از ضروریات امر ارزشیابی، تعیین موضوعات مورد نظر برای ارزشیابی است. این موضوعات به صورت سالانه و از طریق اجماع نظر نمایندگان دو قوه مجریه و مقننه و مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌شوند.
- علاوه بر این نکات، آنچه تحقق فرایندهای فوق را منتج به اثرگذاری در ساختار حکمرانی کشور می‌کنند، شفاف‌سازی نتایج گزارش‌های ارزشیابی، به‌ویژه گزارش‌های ارزشیابی‌های انجام شده توسط وزارتخانه‌هاست.
- سایر پیشنهادها (لازمه و حیاتی): این دسته از پیشنهادها به عنوان لازمه تعمیق ارزشیابی محسوب می‌شوند که در گزارش نخست به تفصیل عنوان شده است و پیش‌بینی می‌شود در مرحله ابتدایی نهادینه‌سازی ارزشیابی در کشور مورد توجه قرار گیرند.



- [1] K. Mackay, (2006), "Institutionalization of Monitoring and Evaluation Systems to Improve Public Sector Management, Independent Evaluation Group & Thematic Group for Poverty Analysis, Monitoring and Impact Evaluation", The World Bank, ECD Working Paper Series, No. 15.
- [2] M. Bamberger, (2009), "Institutionalizing Impact Evaluation Within the Framework of a Monitoring and Evaluation System, Independent Evaluation Group", The World Bank, Washington, DC, USA.
- [3] S. Jacob, (2025), *The institutionalization of evaluation around the globe: Understanding the main drivers and effects over the past decades*, in Handbook of Public Policy Evaluation, Edward Elgar Publishing, pp. 187-202. [Online]. Available: <https://www.elgaronline.com/>
- [4] شمس، لیلا. (۱۴۰۴)، «درآمدی بر روش انطباق مداوم مسئله‌محور (PDIA) و کاربرد آن در نظام حکمرانی و قانونگذاری»، دفتر مطالعات حکمرانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره گزارش ۲۰۷۰۱.
- [5] OECD, (2016), "Being an Independent Regulator", Paris: OECD Publishing. [Online]. Available: <https://doi.org/10.1787/9789264255401-en>
- [6] OECD, (2020), Improving Governance with Policy Evaluation: Lessons From Country Experiences, OECD Public Governance Reviews. OECD Publishing, Paris. Available: <https://doi.org/10.1787/89b1577d-en>.
- [7] B. Briceño and M. M. Gaarder, (2009), "Institutionalizing Evaluation: A Review of International Experience, International Initiative for Impact Evaluation" (3ie).
- [8] OECD, (2020), "Chile: Review of DIPRES Programme Evaluation System", Public Governance Directorate, Public Governance Committee, GOV/PGC/SBO(2020)4.
- [9] OECD, (2025), *Evaluation of Laws and Regulations: The Case of the Chilean Chamber of Deputies*, OECD Publishing.
- [10] R. Stockmann, W. Meyer, and L. Szentmarjay, (2022), "The Institutionalisation of Evaluation in the Americas", Cham, Switzerland: Springer. DOI: 10.1007/978-3-030-81139-6.
- [11] C. D. Crumpton, J. J. Medeiros, V. R. S. Ferreira, M. M. Sousa, and E. Najberg, (2016), "Evaluation of public policies in Brazil and the United States: A research analysis in the last 10 years", *Revista de Administração Pública*, Vol. 50, No. 6, pp. 981–1001.
- [12] K. Mark and J. R. Pfeiffer, (2011), "Monitoring and evaluation in the United States government: An overview", No. 26. Independent Evaluation Group, World Bank Group.
- [13] B. Rosenstein, (2015), *Mapping the Status of National Evaluation Policies*, 2nd Edition Parliamentarians Forum on Development Evaluation & EvalPartners.
- [14] C. D. Crumpton, J. J. Medeiros, V. R. S. Ferreira, M. M. Sousa, and E. Najberg, (2016), "Evaluation of public policies in Brazil and the United States: a research analysis in the last 10 years", *Rev. Adm. Pública*, Vol. 50, No. 6, pp. 981-1001, Nov./Dec.
- [15] S. Jacob, (2025), "The institutionalization of evaluation around the globe: Understanding the main drivers and effects over the past decades", in Handbook of Public Policy Evaluation, Edward Elgar Publishing, pp. 187-202. [Online].



Available: <https://www.elgaronline.com/>

[16] A. M. Valle, (2016), "The Mexican experience in monitoring and evaluation of public policies addressing social determinants of health", *Global Health Action*, Vol. 9, No. 1, p. 29030.

[17] M. Mazzucato, R. Kattel, S. Albala, G. Dibb, M. McPherson, and A. Voldsgaard, (2020), *Alternative Policy Evaluation Frameworks and Tools: Exploratory Study*, Department for Business, Energy & Industrial Strategy, BEIS Research Paper Number 2020/044. Available: <https://nationalarchives.gov.uk/doc/open-government-licence/version/3>.

[18] M. P. Ramos and L. M. Schabbach, (2012), "O estado da arte da avaliação de políticas públicas: conceituação e exemplos de avaliação no Brasil", *Revista de Administração Pública*, Vol. 46, No. 5, pp. 1271-1294, Sep./Oct.

[19] R. Bonifácio and F. M. Motta, (2021), "Monitoring and Evaluation of Public Policies in Brazil: Conceptual Approach and Trajectory of Legal and Institutional Development", *Revista de Direito Econômico e Socioambiental*, Vol. 12, No. 2, pp. 340-371, doi: 10.7213/rev.dir.econ.soc.v12i3.28653.

[20] R. Bonifácio and F. M. Motta, (2021), "Monitoring and evaluation of public policies in Brazil: conceptual approach and trajectory of legal and institutional development", *Revista de Direito Econômico e Socioambiental*, Vol. 12, No. 2, pp. 340-371, doi: 10.7213/rev.dir.econ.soc.v12i3.28653.

گزیده سیاستی

ایجاد نهاد ارزشیابی در کشور مستلزم اقدامی گام به گام به منظور آشنایی با چالش‌ها و تعمیق هر چه بهتر ارزشیابی است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۲۳۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ | پست الکترونیک: mirvaemajlis.ir

وبسایت: rc.majlis.ir